

کتاب  
مجموعه

جنائی

ہدائی

در الواحی مجربہ - از احضار و محبت و اخراج و  
وخت کشا و شہر آوارج حال الغیب و حل  
مشکلات و ترفیع مقامات و عفا المآل  
و حل شروط و عقد الطر و شفقت  
کل امراض و نيل مقامات  
و غیره .

---



# فهرست

ص ۱ - ۲

مقدمه

شروط مربع از صفحه (۳) ناص ۵

بهنیت بخوراثت کو اکتب به ص

ذکر بخوراثت .. ص ۶

موکلین هفت روز از ص ۷ ناص ۹

فرق بین عمل جمال و جلال ص

دستور لازم نسبت بعمل جمال و جلال ص ۱۱

ذکر شانزده شکل مربع از ص ۱۳ ناص ۱۷

اثبات مناسب هر عمل از ص ۱۸ ناص ۲۴

اسماء الله مناسب هر عمل از ص ۲۴ ناص ۲۷

قاعدہ پر کردن مربع و عدد کفایت ص ۲۱

نسبت الواح بعناصر اربعه ص ۲۹



راجع با استخراج غریبه ص ۳۱  
راجع بعد دغریبه و تعیین آن ص ۳۲  
توضیح لازم در اعمال الواح ص ۳۳  
سایر عملیات از احضار و اخراج و تفریق

و غیری

## احضارات

- ۱ احضار مجرب صورتی ص ۳۵
- توضیح لازم راجع با احضار ص ۳۶
- ۲ احضار مجرب کج شک ص ۳۱
- ۳ تحبب خیل خوب خوراک ص ۴۰
- ۴ تحبب بر هفت دانه دندک ص ۴۲
- ۵ احضار بر برك درخت انجیر ص ۴۴
- احضار منحنی و صورتی ص ۴۵



احضار چراغی

ص ۵۰

غزوه چهارم و کلید روح

ص ۵۱

مطلب از زم راجع بنصرت و غزوه

لغز و لغز

تفریق لوحی محراب در مریح

ص ۵۲

دستور فرید در عفری

ص ۵۵

دستور جلا کردن لوح

ص ۵۹

ایضا تفریق سوسکی - و شانده - و سنی

۲

که بسیار هم است از ص ۱ تا ص ۶۲

ایضا تفریق چهارده پارچه نان که هفت پارچه را

۳

«بیک و هفت پارچه را بیکر به بدهد»

ص ۶۳

«تفریق برجامه مطلوب»

ص ۶۵

«تفریق برای دلسر»

۴

۵

ص ۶۶



۶ نفرین بر کاغذ قرمز ص

۷ نفرین پیشگی ص ۶۹

۸ لوح مخصوص نفرین را باید خیلی مناسب  
نفرین سورۀ نبت که در لوح نه اندر نه

درج شد که اورا لوح فارقم میگویند ص ۷۲

نبت درست و وارونه ص ۷۳

عزیمه

نفرین و افعه در صفحه (۶۰) را در نظر داشته

که در کلبه اعمال نفرینیه مناسب و خوبست  
توضیح آنکه پیش از عمل سورۀ نبت باید محض خوانده

را بخواند

محرکات و آخر اجادت

محرک و آخر ج از ص ۷۶ تا ص ۷۹



بخصوص استیفاء روز و آنرا از حجر بابت مکتوبه  
خود میدانند

اخراج راجع به مثلث هتک از ص ۱۰ ناص ۱۲  
عقد اللسان

زبان بند محترک از ص ۱۲ ناص ۱۴  
عبره زبان بند در جاهای دیگر هم عقد اللسان  
میشود خواند زبان بند محترک به ص ۱۵ ناص ۱۶  
طریقه اها در دادن پارچه برای عقد اللسان و  
عبره در همان صفحه

زبان بند محترک از ص ۱۷ ناص ۱۹  
در احضار ارواح رجال الغیب و  
جواب و سؤال با آنان بلا واسطه  
آئینه ص ۹۰



شرط عامل - شرط (۱) دین اسلام و جمعیت ص ۹۱

شرط (۲) عدم سوء استفاده از ان ص ۹۲

شرط (۳) علاقه مند بفرایض دینیه ص ۹۲

شرط (۴) تعظیم شعائر اسلامیه و غیره ص ۹۳

شرط (۵) عدم اکل حرام و مشربیه بجرام و مکروه ص ۹۳

شرط (۶) نبودن لواط و لوط و عدم شرب و عرف ص ۹۴

شرط (۷) عدم اخذ قیمت در جواب ص ۹۵

شرط (۸) اخذ اجاره اسناد ص ۹۶

شرط (۹) اجاره دادن اسناد بشخص لایق ص ۹۱

شرط (۱۰) نبودن عاق و والدین ص ۱۰۰

شرط (۱۱) عدم اقدام برای تفریق ص ۱۰۱

شرط (۱۲) عدم دخالت در مال صغیر ص ۱۰۲

شرط (۱۳) اقدام بترکیه نفس ص ۱



ایضا بخت کشا

در معنی حرم و بعضی آثاران

بخت کشا پیش

بخت بزرگی و جا

بفایده منصب

نصیب معزول

بخت نقش انکشتی

لوح اعظم برای عزت

لوح مکرم برای غم و غیبه

ختم حجر رب

برای خلاص شدن از زندان

برای هلاک ظالم



طریقه تفاسات سائل

وظیفه عامل در وقت جواب

طریقه تشکیل مجلس مکالمه

طریقه اخذ جواب

توضیح راجع بچهار موکل

عزیمه هفت روز

توضیح راجع بمخواندن عزیمه شب

خاتمه درختنوم و غیره

درختنوم فلور و نصب معزول

فتح و کشتایش

ایضاً فتح

بخت کشتای دختران

بخت کشتای غیر دختران



- شرط (۱۴) اقدام به اداء دین اشخاص ص
- شرط (۱۵) اهتمام کلی بر دادن جواب محتاجین ص
- شرط (۱۶) عدم اقدام بعمل در تحت الشعاع ص
- شرط (۱۷) اشار کردن عامل ص
- شرط (۱۸) عدم اخبار از دفتنه و امثال آن ص
- شرط (۱۹) عدم تعهد مرتبه بر آید بیکری ص
- شرط (۲۰) عدم خیانت بناموس غیر ص
- شرط (۲۱) عدم تصرف در جواب ص
- شرط (۲۲) دادن خمس منافع از این راه ص
- شرط (۲۳) حفظ اسرار خلق کردن ص
- شرط (۲۴) پرهیز از غضب و اخلاق و بد ص
- شرط (۲۵) زیارت اهل قبور دائمه ص
- شرط (۲۶) در رفع نکفتن ص



شرط (۲۶) بعد از احضار چهره بذكر كردن

شرط (۲۷) عدم اقدام بتفريق والدین و غیره

شرط (۲۸) قمار نكردن

شرط (۲۹) از طفل حرم و نزول باران خبر ندادن

شرط (۳۰) وقت عمل بخور سوختن

شرط (۳۱) احسان بدین و صغیر كردن

شرط (۳۲) ادامه عمل احضار است كه (۳) اربعین نكذارند

شرط (۳۳) رحیم دل بودن عامل

شرط (۳۴) بلند نظر بودن عامل

شرط (۳۵) ظالم نبودن عامل

شرط (۳۶) خوش طینت بودن عامل

شرط (۳۷) قوی القلب بودن عامل

شرط (۳۸) چشم او جذباتی و عیب



شرط (۳۹) گری نبودن کوشش عامل

شرط (۴۰) محبوب نبودن ارکان اربعه عامل

شرط (۴۱) بخیل و قانع نبودن

شرط (۴۲) کاهن و فاضل نبودن عامل

شرط (۴۳) عدم اعتنا با اقبال و ادبار دنیا

عملیات ده روزه عامل است

(۱) صورت روز اول با ترک حیوانه

(۲) در لباس عامل و هفت روز آخری

(۳) در شروط مندل

ایضا درهما راجع به جنبش عامل

(۴) تفصیل کار ده ها هفتکانه

(۵) تفصیل ترسیم مندل

(۶) شروط شمع ۴۹ کانه هفت شب



اسماء چهار موکل برای شکر دها

(۵) تکلیف معزم راجع بنوقف درمند

(۷) هبه بخورات معینده و فروش خواندن عیال

در تقسیم ۲۴ ساعت افساسبعه

در خوابیدن معزم و تکلیف او بعد از خواب

در تعیین زغال برای بخورات

در تکلیف خادم

در ظهور آثار شب چهارم

در آثار شب پنجم

در آثار شب ششم

در آثار شب هفتم

طاسم رو اینه و دستنویس فرج معزم

دولوح رو کاغذ علیچا



برای مصروع

ختم هجرب<sup>۳</sup>

ختم هجرب<sup>۳</sup>

ختم هجرب<sup>۳</sup>

ختم هجرب<sup>۳</sup>

ختم هجرب<sup>۳</sup>

م

م

م

م

م

م



چنان بساط عمل پهن کن در این وادی  
که دست و پا نکند که بوفت بر چیده



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی  
سید الانبیاء والمرسلین محمد خاتم النبیین  
وعلی علی امیر المؤمنین سید الوصیین و  
علی ابنة فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین  
وعلی الحسن والحسین سید شباب اهل



الجنة والنسغة المعصومين من ولد الحسن و  
 اللعن الدائم على أعدائهم من الآن الى يوم الدين

وبعد این مجموعه ایست در مجربات  
 الواح خصوصاً در رتبات که نسبت بمطابق

و تنوع مقاصد سیر طبع آنها بنحو مخصوص  
 میباشد که در این مجموعه بقسمی سهل و طریقی  
 اسان ابرار نموده ناهر مبتدیان هم بتوانند از آن

استفاده نماید و همچنین سایر فضیلتها  
 صحیحها از احضار و تحذیب و عقبات لسان  
 و یاره از ختمها و اذکار و رتبات قابل  
 که از جاهای مودق و از کتب معتبره اهل فن اخذ  
 نموده مانند شمس المعارف الکبری و یا از بعضی  
 صاحب تجربه و عباد کرام است این مجموعینکار در مواضع  
 لازم در حوائج جان را بدین طریق موجب شرف و استکمال



معار از چو خال گل آید بکشمیر نماند نامشده

## در حرکات و شروط متعلقه با آنها

باید که  
در حرکات  
و شروط  
متعلقه  
با آنها

۱- باید عامل و معمول هر دو با اثرات دعا  
ایمان و اعتقاد داشته باشند خصوصاً  
عامل که اگر عمل برای امتحان بجا آورد هرگز  
مؤثر نخواهد شد

۲- باید تمام اسباب عمل از کاغذ و مرکب و قلم  
از محرر حل و الهیه شده باشد و همچنین موقع  
عمل باید جای عامل غصبی نبوده باشد  
۳- باید بدن و لباس و کلبه لوازم عمل و مکان  
عامل پاک بوده باشد

۴- باید برای هر نیت و هر مقصود که ارا  
کرده است خبر و با آنکه طرف خود را بشیر



چون که اندر او طمع کرد و نماند خود او سر کرد  
و نماند بود و در

بوده باشد و کلاه در تمام موارد بهتر آن است  
 که قصد عامل فریة الی الله باشد و از لوازم عامل آن  
 که همیشه باید ملتفت باشد که از عمل او هیچ گونه  
 ضرر و خسارت و نقصان متوجه دیگر نشود  
**۵- عامل باید عیاشی فریة باشد که بی احتیاجی**

بناظران و اسامی مقدسه انبیاء و ائمه اطهار علیهم  
 السلام نشود و در هر جا که جاها دنیا باید شعاع  
 اسلام بر بزرگ بشمارد - چرا که تعظیم شعاع  
 الله یکی از شروط مکمله عامل است

**۶- عامل باید کینه جو و دروغگو و بخیل و نفاق**  
 و حسود و خسیس و فنان و مغرور و تارک  
 الصلوة و عاف و الدین و لاطی و ملوط و فاجر و



هرگز از آنکه وجه سلطان - هرگز بر سر تو کشید دیوار

منجمله بفسق و غیر اثناعشر نبوده باشد - چرا که  
امید باین گونه اشتغال صریح نیست

فایده این سخن

۷- عامل باید از هنگام ورود بعمل تا زمان فراغ  
از عمل یا تمام قوای بر وقوع کاری که اراده دارد همت  
بکارد و اگر آنی ضعیف نشود و بتواند این موضوع  
را محکم و تثبیت نماید بعد نسبت که حراست العمل  
الی انتم العمل منطورش صورت وقوع پیدا کند لکن  
هذا هو اصل کل و رکن رکن فاقم

۸- باید بخور مناسب عمل را در ساعت مخصوص

بعملند خیر نماید

۹- باید موکل از روز استمدا دجوید

۱۰- باید بخور هفت کوکب بداند که در



اخذ نماید یا شیخ بهیال <sup>بدشرفی</sup> <sup>ن</sup> چون ترا چون گویند کرد اگر چو کمال  
 موقع پر کردن لوح مربع بخور متعلق بان روز را در  
 در آتش بریزد که از هنگام شروع تا حین فراغ آن  
 عمل بخور قطع نشود چرا که موکل هر روز بخور نماید  
 روز را دو سست میدهد که پیشوا گفت که از شرط علاقه  
 که ارواح بخور را تدارک بخورند چنان حضور  
 میباشد **لند** بر عامل لازم است که نسبت  
 هر لوح به هر کوی از کواکب سبعة بدست بیاورد  
**باید فاعدا** آنرا بداند باین نحو که کلیه اعدا  
 مجموعه خود را که برای پر کردن مربع تهیه نموده  
 پیش از کسر کردن و پیش از ربع گرفتن هفت  
 هفت از آنها را کند - اگر یکی باقی بماند مربع او  
 متعلق بر روز یکشنبه و کواکب آن شمس و بخور متعلق  
 به شمس و ساعت پر کردن آن لوح عشا اول روز

کجاست  
 عین  
 شیخ بهیال  
 و کواکب



علیه حقیق آید نبود ... نبود هر آنچه سینه بود

پکشنبه است که باید و انجور را در حیرت آتش  
 گذارد و فوراً بخواند که عجمه روز پکشنبه شروع  
 نموده و از موکل آن روز استمداد جسته و بعد به  
 برگردن لوح شروع نماید - و انجور را هفت  
 کوکب را چنانچه حساب اساطیر الاولین یعنی  
 اصف ابن برخیا بیان کرده است بطریق ذیل بشمارد

مهر	عطش	ازهر	پیش	مخ	پیش	از
کوکب	کوکب	کوکب	کوکب	کوکب	کوکب	کوکب

در هر یک از این کوکب ها  
 یکصد و بیست و یک بار  
 این دعا را بخواند  
 یا علی یا علی یا علی

و هرگاه دو عدد باقیمانده برع او متعلق بیوم الاثین  
 (دوشنبه) و کوکب آن مشرق و انجور متعلقان  
 و عینک اول از روز دوشنبه و از موکل روز



صد خاثر کائنات سود نکند باید که کائنات بخانه بود

دوشنبه هم استمداد مجوبه و همچنین سایر ايام

را بنحو مزبور بايد عمل بنمايد

و اما موکلين هفت روز و طریقه

استمداد از آنان بطریق ذیل میباشد

**روز یکشنبه**

عَزَمْتُ عَلَيْكَ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكَ يَا رُفِيعُ

مُوكَلِّهِ هَذَا الْيَوْمَ بِجُرْمِهِ هَذَا اللَّوْحُ وَمَا فِيهِ

أَعِثِّي عَلَى مَا أُرِيدُ

**روز دوشنبه**

عَزَمْتُ عَلَيْكَ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكَ يَا جَبَّارُ

مُوكَلِّهِ هَذَا الْيَوْمَ بِجُرْمِهِ هَذَا اللَّوْحُ وَمَا فِيهِ

أَعِثِّي عَلَى مَا أُرِيدُ

کلین نفع  
استمداد  
موکلین



## روز شنبه

عَزَمْتُ عَلَيْكَ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكَ يَا سَمَائِيلُ  
مَوْكَلُ هَذَا الْيَوْمِ بِجُرْمِهِ هَذَا اللَّوْحُ وَمَا فِيهِ

أَعِنِّي عَلَى مَا أُرِيدُ

## روز چهارشنبه

عَزَمْتُ عَلَيْكَ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكَ يَا مِسْكَائِيلُ  
مَوْكَلُ هَذَا الْيَوْمِ بِجُرْمِهِ هَذَا اللَّوْحُ وَمَا

فِيهِ أَعِنِّي عَلَى مَا أُرِيدُ

## روز پنجشنبه

عَزَمْتُ عَلَيْكَ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكَ يَا صَفِيائِيلُ  
مَوْكَلُ هَذَا الْيَوْمِ بِجُرْمِهِ هَذَا اللَّوْحُ وَمَا

فِيهِ أَعِنِّي عَلَى مَا أُرِيدُ

## روز جمعه







باز عفراں و مشک و عنبر و باز عفراں و کلاب  
 و روی کاغذ سفید و یا حریر سفید و یا پوست ابرو  
 و یا قلم چوبین خوشتر است که در ساعت سعد  
 از اثر اشپه باشد بنویسد و هرگاه جلالت  
 باشد باید لوح را با نیل و سرکه و یا نیل و آب  
 پیاز و روی کاغذ ها کبود و فرحز و بد رنگ و یا  
 پوست خر و یا قلم آهنین و یا یا قلم چوبینی که در ساعت  
 خمس تراشیده باشد بنویسد **و اما هرگاه**  
 عدد جموعه خود را که میخواهد در ترجیح بکند  
 و پس از طرح هفت هفت هیچ باقی نماند فاعده  
 متعلق بر حل است چرا که همان هفت عدد است  
 مقصود است **ولیکن** این موضوع را هم باید  
 از اول شروع بعمل و نظر داشته باشد که اگر عدد



با فهماندن بعد از طرح هفت هفت یکی است  
 یاد و نا است پانچ نا پاشش نا است و عمل او هم  
 جمالی است که فیها المراد موافق با واقع است و اما  
 اگر سه تا پانچ نا پانچ هفت نا از عدد شری با فهماندن است  
 و عمل او نیز جمالی است که مخالف با واقع است و رفع

در این  
 است

ان باین است که باید یکی از حروف **بدوح** را که  
 قسمت جمالی حروف نه گانه ادم و حوا است بآن با  
 مانند اضافه نماید مثلاً اگر عمل منظور ما برای  
 تحبیب باشد و عددی که بعد از طرح هفت هفت

با فهماندن باشد نشاید که متعلق به پنج و پنج  
 با عمل منظور ما که برای تحبیب است باشد عدد  
 دورا که عدد (ب) است بر او میافزاییم میشود  
 پنج که آنوقت متعلق به شش و موافق با واقع است



و اگر عمل منظوری برای تفریق باشد و باقیمانده از  
 مایات ناباد و نابا پنج ناپاشش ناست که مخالف با  
 واقع و باید یکی از حروف **اجهز**  
 را که قسمت جلای حرف شعا روح و نفس  
 است بآن ناماند و اصناف باید پس از آن بنحویت کور  
 عمل کند **۱۱-** عامل باید لوح را از راه طبیعت آن  
 برگزیند باین معنی که اولی عده منظور را در خانه اول بعد  
 با صفا پاک و خادوم و شری و علمند الی خاشا و هم چنانکه  
 در این مجموع ذکر شد است معمول بدرد و نیز باید عامل  
 ملقب بود باشد که اگر عشرت ناثیر را طالب شد باید فیما  
 طبیعی را باین راه بداند چرا که بر همه اعمال  
 جلای و حجاب بر طبیعت مربع مخصوصی را قائم کند که مخالف  
 از آن با موجب عدم ناثیر و با باعث بطوار است



# و این است اقسام مرتبجات

اول

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹	۱۶	۳
۱۵	۴	۵	۱۰

بکشت علو در جبار

در اینجا عامل باید خوب رفت کند و ملنگت باشد  
که خانه اول رجا و خانه شانزدهم در رجا است که نیست  
با خلاق و صفات سپر طبعی آنها هم اخلاق و خواهد بود

دوم

۱۲	۱	۷	۱۴
۱۵	۶	۴	۹
۲	۱۱	۱۳	۸
۵	۱۶	۱۰	۳

بکشت الفاء معجبت در باره



١٠

2

12	1	12	✓
11	✓	12	2
0	10	2	(12)
2	10	2	9

۱۰۰

12

2.

—

بسم الله الرحمن الرحيم

1	12	11	1
12	1	2	12
2	9	12	2
10	2	0	10

21

7	2	11	14
12	10	1	1
5	13	13	12
9	15	2	4

۱۰۰

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱



لوک هشتم

۱۵	۱۰	۴	۵
۱	۱	۱۱	۱۴
۹	۱۶	۶	۳
۲	۷	۱۳	۲۱

بجکنت باطل کردن سحر و جادو و نظر است

بجک تشفای احوال است

۵	۱۶	۱۰	۳
۲	۱۱	۱۳	۱
۱۵	۶	۴	۹
۱۲	۱	۷	۱۴

سحر

لوک هشتم

۴	۵	۱۱	۱۴
۱۵	۱۰	۱	۱
۶	۳	۱۳	۱۲
۹	۱۶	۲	۷

بجکنت سحر بپاک و اخراج از شهر و خانه و منزل است



بکشتن بزرگترین از چپ  
بدون بزرگترین

۵	۱۴	۳	۱۲
۴	۱۱	۶	۱۳
۱۰	۱	۱۶	۷
۱۵	۱	۹	۲

بکشتن

بکشتن و بزرگترین  
بکشتن ا حضا ر روح

۱۲	۱۴	۳	۵
۱۳	۶	۱۱	۴
۲	۱۶	۱	۱۰
۱	۹	۱	۱۵

بکشتن

بکشتن بزرگترین را با بزرگترین  
و بزرگترین و بزرگترین

۳	۱۰	۱۴	۹
۱۶	۱	۱۱	۶
۵	۲	۱۲	۷
۱۵	۱	۱۳	۴

بکشتن



لک و شصت و نه

۳	۷	۹	۱۴	
۱۰	۱۳	۴	۷	
۱۶	۱۱	۶	۱	
۵	۲	۱۵	۱۲	

و کما یستطیعون  
بالحسن و الجاد

لک و سی و نه

۴	۲	۱۰	۱۳
۹	۱۴	۳	۱
۱۵	۱۲	۵	۲
۶	۱	۱۶	۱۱

بجست عیون و رزق  
بزرگان و اشرف

لک و سی و نه

۱۰	۵	۴	۱۵
۳	۱۶	۹	۶
۱۳	۲	۷	۱۲
۱	۱۱	۱۴	۱

بجست اهل و العیال  
و اعدا و دشمنان



١١	١	١٤	١٥
٥	١٥	١٠	١٤
١٤	٦	٩	١٢
٢	١٣	٧	١٢

## آيات مناسب مقام طالب

آیه مناسب غلور درجات

ورفعنا لامرنا علیا

آیه مناسب تحبیب

يُحِبُّوهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ

ایضا مناسب تحبیب

وَالْفَيْتُ عَلَيْكَ حَبَّةً مِنْي لِتُصْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي  
إِذْ تَمْشِي خُنْكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى مَرْيُومَ كَيْفُلَةٍ

فَرَجَعْنَاكَ إِلَى أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَ



فَلَمْ تَفْسَافِنَّاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا  
(مخصوصاً از برای این که در دنیا است که بعد از هر روز که میسر

### آیه مناسب قفرون

وَالْقُنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ

### آیه مناسب قریانیت

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ  
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

### آیه مناسب خواب

توضیح لازم - مقصود از خواب نیندانه این است

که بواسطه عمل از عبادت الواح خواب کیسری به  
بندیم که خواب برود بلکه مراد این است که عمل  
محبوب نفسی اثر کند که از شرط محبت که در طالب  
پیدا میشود خواب از چشم او برود که تا خود شراب



معشور و مطلوب محبوب خود نرساند آرام و قرار  
نداشته باشد و بجز این بات در این مقام هم  
آیه سابق الذكر است (والفبت علیک بحبه منی)

### آیه مناسب با طل السحر

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَوَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ هُتُورًا  
همین آیه را هم برای طبلان اثرات چشم میبند  
آورد زیرا که ناشر اثرات چشم شور که از سحر و  
جاد و نیست

### آیه مناسب شفاى امراض

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّهِينًا وَجَعَلْنَا لِكُلِّ شَيْءٍ مِّنْهُ لَیًّا

### آیه مناسب اخراج دشمن

فَجَرَحَ مِنْهُ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ وَهِيَ تَمْرُ حَرَّةٌ  
السحاب (باید عامل ملتفت باشد که پس از گرفتن



عده ایه مذکوره و کسر و کرفتن ربع و پر کردن  
حبر ربع و اسطرخ موکل و غیره - معذکات عن  
این ایه را هم در پایان حبر باید بنویسد که این

### ایه مناسب هشتم

وَأَنَّ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْفُتُوكَ بِأَبْصَارِهِمْ  
لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا  
هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

### ایه مناسب احضار جن و روح

بِأَمْرِ الْحَيِّ وَالْأَكْبَرِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا  
مِنْ أَفْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا وَإِلَّا  
تَنْفُذُوا وَرَبُّ الْإِسْطَاطَانِ

### ایه مناسب ایه کبریا و درود و غیره

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ



سَدًا فَأَغْشَيْنَا فُتُوحَهُمْ لَا يَبْصُرُونَ

**آیه مناسب فضاء حاجات**

حَاجَةً فِي نَفْسٍ يَعْفُو بِ فَضَاهَا

وَنَهْزُ بِجَهْتِ فُضَاءِ حَوَائِجِ مُحْتَاجِينَ وَ

كَفَايَتِ مَهْمَاتِ ابْنِ آيَةِ شَرِيفِهِ اسْت

أُحِبُّ عَوْدَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ

**آیه عزت در نزد بزرگان**

إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا - قُلْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ وَ

لِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ

**آیه اهلک عدو واذلال**

سوره مبارکه الم تر کیف بدوون بسم الله

و باسوره مبارکه نبت بک آیه لم یبدوون



بِسْمِهِ وَيَا اَيُّهَا فَتَقُطِعْ دَائِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا  
فَاِنَّهُمْ لِي اَحَدٌ مِنْهُمْ يَسُوْعُ خَذَلَهُ اللهُ

## اِبَّهْ مَنْاسِبِ نَجَاتِ اَزْمِنْد

نَصْرٍ مِنَ اللهِ وَفَتْحٍ فَرِيْبٍ - يَا اِنَّا فَتَحْنَا  
لَكَ فَتْحًا مُبِيْنًا - يَا - اَيُّهَا تَوْسَلُ مَحْضُوْرًا  
يَجَا اِبَّهْ مَنْاسِبِ عِدَدِ بَكْرِدِ كَدَمِنْ جَمِيْعِ الْجَنَّا  
بِرَايِ خَلَاَصِي اَزْمِنْدِ وَزَنْدَانِ وَهَر نَوْعِ

كَرْفَتَارِ حَجْرِيْبَتِ - نَجَاةُ مِيْنَاكَ يَا سَيِّدِ الْكَرِيْمِ

مُخَيَّرِ وَخَاصِّ نَبِيِّ مُحَمَّدٍ سَلَامُ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيْمِ  
اَنْجَا بَايْدِ مَلْنَفْتِ اَيُّهُنْ تَوْضِيْحًا هَمْ بَا شِنْدِ  
ذَكَرِ جَلَدِ فَوْفِ دَرَجَاتِ اسْتِ كَشْفِ شَخْصِ بَرَايِ  
اَسْتِخْلَاصِ خُودِ شَرْعِيًّا نَهَايْدِ وَاَمَّا الْاَكْبَرُ



غیر است درد و کلمه نخته و خلصه تغییر  
 عبارت لازم است باین قسم که اگر برای  
 نفر مرد باشد نخته و خلصه باید باشد  
 و اگر برای یک نفر زن است نخته و خلصه  
 باید باشد و اگر برای دو نفر است باید  
 نخته و خلصه باشد خواه آن دو نفر  
 مرد باشند و خواه زن و خواه یکی مرد و یکی  
 زن و اما هرگاه جمعی باشند در آنجا از هر  
 است که برای هر نفری از آنان یک لوح  
 بکند و بلکه بهتر از تمام شقوق این است  
 که آن توسط هر یک باین قسم حتما کند که  
 بجا ضمیر اسم شخص را با اسم مادر

۷ در لوح برای هر یک  
 لوح لاتین  
 لوح فارسی



ذکر نماید مثلاً بخنی و خلیصنی و  
 نخ فلان ابن فلان و خلص فلان ابن  
 فلان یا ما بقی جمله **ابنه مناسب**

**حل مربوط** - یعنی کشادن مرد بستر

اِنَا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا - اِذَا حَاكَ  
 نَصْرَ اللَّهِ وَالْفَتْحُ - نَصْرَ اللَّهِ وَالْفَتْحُ  
 قَرِيبٌ

**اسماء الله مناسب جلال و جلاله**  
 برای ترفع

علی - عالی - عظیم - جلیل - رفیع  
 رافع - معز - عزیز - منبع - غالب

**اسماء مناسب محبیب**

بدوح - ودود - حبیب - محب

یا



بار - جہیل - حسن - محسن - حمید  
محمود - عزیز - معز ان در اسماء شریفہ

## اسماء مناسبت قرین

فارغ - مانع - فہار - جبار - حمیت  
بعید و امثال اینها و لو آنکہ مرکب ہم شہد  
خوبست مثل فاصم الجبارین - مذل  
الکافرین - منقم الجبارین - کاسر المنکبرین  
میر الظالمین - و امثال اینها

## اسماء مناسبت بان بند

جامع - قابض - مالک - خالق و غیرہ

## اسماء مناسبت خواہ بند

لطیف - بدیع - ودود - رحمن - رحیم



## اسماء مناسب باطل السحر

قدوس - سلام - مؤمن - مظهر  
عزیز - جبار - منکبر - مفید - مجیب

## اسماء مناسب برای مراض

شاک - کافی - معاف - حافظ - حفیظ  
نافع - سلام - سالم - پاک - کریم - غفور

## هائ اسما مناسب اخراج

مفرق - محترک - فوی - دافع - مجیب

## اسماء مناسب چشم زخم

مانع - حافظ - حارس - رفیع - وکیل

## اسماء مناسب احضار جن

لطیف - علی - خیر - عظیم - سمیع

بصیر



بصیر - اول - آخر - ظاہر - باطن

## اسماء مناسب کہہ بند

معد - مقسط - مقندر - مبد

## اسماء مناسب فضائل حاجات

اللہ - هو - واحد - احد - صمد

فرد - خے - فیوم - حکم - عدل - قدو

## اسماء مناسب عزت

مجد - مجید - ماجد - جلیل - رافع

رفیع - عزیز - معزز - غالب - باسط - کریم

## اسماء مناسب اہل اعدو

مہبت - ضال - مضل - مذکور - معد

منفم - فامع - فالع - حزبل - رشید



قَوِّ - مَفْطُ - فَاَهْر - قَادِر - فَهَار

اسماء مناسبت از بند

خَالِص - مَخْلَص - خَلَّاص - نَاجِي -

مَنْجِي - فَنَاح - مَفْتَح - فَتْح - نَاصِر - نَاصِر

عَوْن - مَعِين - سَبَب - مَسَبَب - سَاط

غوث اسماء مستحله در عوط

فَنَاح - فَتْح - مَحَلَّ - نُور - سَلَام - كَافِي

بَالِغ فاعل پر کردن برع و گفتن عدد

مثلاً هرگاه خواسته باشد بهیابین محمد

نام زاده در رحم کوکب و فاطمه نام زاده در رحم

زهرا آء تولد محبت کنیم اولاً باید هماً

مقصود بر آنکه دارد تشکیل جمله را بد



باین قسم (محمد زاده / رحم / کوکب / فاطمه  
 زاده / رحم / زهراء / را / دوست / بدارد  
 بخوئے / که / بکدم / بی / و / آرام / نداشته / باشد  
 بعد نام حروف جمله را بچستاجل ایچک جمع نماید  
 و علاوه نکاهیدارد بعد ایه مناسب  
 عمل را هم عدد گرفته نکاهیدارد باین قسم  
 (بجبرئله / محبتو لهم / کتب الله / والذین / امنوا / اشد  
 حبا / لله / بعد اسم مناسب آن عمل را هم  
 عدد بگیرد و نکاهیدارد باین قسم (بجود)  
 بدقح پس از آن تمام آن اعداد را جمع  
 کند و هفت هفت طرح نماید تا معلوم  
 شود که در کدام روز از روزها سعد که



مخصوص عمل و کجا است باید عمل شود  
 مثل اینکه جمع اعداد آن سه فقره مذکور  
 ظهر و رقه (۵۵۱۶) است که پس از طرح  
 هفت هفت باقیمانده شش عدد که متعلق  
 بکوکب زهره و ساعت آن اول روز جمعه  
 است و عدد باقیمانده هم موافق با عمل ما  
 است که کجا بوده باشد و اما نسبت آن  
 بعناصیر اربعه - باز باید چها چها طرح کنیم  
 که پس از طرح مزبور عدد باقیمانده که متعلق  
 بهواست (زیرا که یکی دیگر از لوازم الواح آن  
 است که باید بدانیم که یکدام يك از چهار  
 عنصر نسبت دارد ناموافق آن عمل کنیم

اینجا باید که  
 نسبت آن را  
 بدانیم



مثلاً اگر پس از طرح مزبور یکی باقی بماند متعلق  
 بنار است و باید لوح را بعد از اتمام نزدیک  
 آتش دفن کنیم و هرگاه دو عدد باقی بماند متعلق  
 بهواست و باید از بعد از اتمام بساخت  
 او نیز ان نمائیم و اگر سه عدد باقی بماند متعلق  
 به آب است و باید از آب بپنداریم  
 و هرگاه چهار عدد باقی بماند متعلق به خاک  
 است و باید از خاک دفن نمائیم  
 پس از آنکه نسبت آن اعداد را بدو اکبر و صغیر  
 فهمیدیم انوقت باید در مقام کسر و ربع  
 گرفتن برائیم باین قسم که اول موازی  
 سی و چهار عدد باید از کل آن اعداد جمع



کرده کسر نائیم چنانچه ۳۴ عدد از ۵۵۱  
 کسر کردیم باقیمانده ۵۵۵۲ - بعد باید آن  
 باقیمانده را ربع گرفته و آن ربع را باضافه  
 یک در خانه اول گذاریم و تا آخر سپر

طبیعی بنماید باین قسم که ربع عدد خرد  
 میشود ۳۱۱ که باضافه یک میشود

۳۱۹ که این عدد را در خانه اول از ربع  
 مخصوص محبت باید بگذارد و در وقت

نوشتن از موکل مخصوص بآن است و بگوید  
 و بخور مخصوص بعمال بر آتش بگذارد -

و این است سپر طبیع آن



۱۴۰۳	۱۳۹۵	۱۳۸۹	۱۴۰۴
۱۳۹۷	۱۳۹۲	۱۳۹۴	۱۴۰۲
۱۳۹۶	۱۴۰۴	۱۳۹۹	۱۳۹۰
۱۳۹۱	۱۳۹۸		۱۳۹۳

وَأَمَّا رَاجِعُ بَاسْتِخْرَاجِ عَزِيمَةٍ وَمَوْكَلٍ عَلَوِ وَسَفَلِ  
 جَوْنِ أَنْوَاعٍ وَافْتِسَا آنِ دَشْوَارِ وَاسْهَلِ طَرْفِ آنِ  
 اِبْنِ اسْتِ كَذَبُورِ اِطْلَافِ بَاشِدِ بَاسِ مَخَوِ  
 عَمَلِ كَنْدِ - بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَزَمْتُ  
 عَلَيْكُمْ وَأَفْتَمْتُ عَلَيْكُمْ بِأَهْلِ الْمَوْكَلُونَ  
 السَّفَلِيَّةِ هَذَا اللَّوْحُ بِحَقِّ الْمَوْكَلِينَ الْعُلَوِيَّةِ لَهُ

در این مربع است  
 درین جدول تصحیح  
 کردید لذتیه  
 بی قطع خورده  
 دارد دافتر  
 ۱۴۰۴  
 است  
 ۹  
 ۱۴۰۵

تذکره  
 در  
 این  
 کتاب



وَيَحْيِي كُلَّ نَسَمٍ مُنْدِيحٍ فِي هَذَا اللَّوْحِ مِنْ أَسْمَاءِ  
 اللَّهِ الْعِظَامِ وَيَحْيِي بِدُوحٍ وَيَجْرِمُهُ هَذِهِ الْآيَةُ  
 الشَّرِيفَةُ يُحِبُّوهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا  
 أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ أَنْ تَجْعَلُوا مُحَمَّدًا بَنِي كَوْكَبٍ مُحَسَّبًا

مَا يَلَا عَاشِفًا لِفَاطِمَةَ أَمْنَتَهُ زَهْرًا عَاقِبِي  
 لَأَفْرَارَ لَهُ الْأَبُوصَالِهَا الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ  
 الْمَوْحَا الْوَحَا الْوَحَا السَّاعَةُ السَّاعَةُ السَّاعَةُ  
 بِمُحَمَّدٍ وَاللَّهِ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

اجْمَعِينَ

وَأَمَّا عِدَّةُ عَزْمِهِ بِأَبْدِ نَمَامِ حُرُوفِ أَعْدَا  
 مَذْكُورِهِ رَاجِعُ كَرْدِهِ وَمَكْرَرَاتُ أَهْوَائِهِ  
 اسْفَاطُ نَمُودِهِ بِسِازَانِ بَعْدِ ظَاهِرِهِ وَفِي

تعبیر  
 کلکلی  
 عادی



عربی را بعد از اتمام لوح بخواند و بر لوح بید  
و بجای او بر اطراف لوح هم بنویسد - مثلاً  
تمام حروف اعداد مذکوره همان حروف است  
فقره مذکوره است که (م ح م د ز ا د ر ح م  
ک و ک ب ف ا ط م ه ز ا د ر ح م ز ه ر ا و ر ا  
د و س ت ب ب دارد ب ن ح و ی ک ه ی ک  
د م ب ی ا و ا ر ا م ..... ن د ا ش ت ه  
ب ا ش د - ب ح ر ه ت ی ح ب و ن ه م  
ک ح ب ا ل ل ه و ا ل ذ ی ن ا م ن و ا ش ر ح  
ب ا ل ل ه ب ح و ب د و ح ) بوده باشد  
که بعد از آن یکصد و پانزده است که  
بعد از حذف مکررات آنها که پانزده است



مح ذرارت وب ف ط ه س ن ی ش ل ذ ف

بپست عاده میشود

**توضیح لایحه** - پس از آنکه عامل بر

طریقه مذکور را علم و اطلاع پیدا کرد

باید آنرا سر مشق خود قرار داده و مابقی الوا

را هم همین طبع پرینماید - منتها مطلب

این است که باید ملثفت تغیر موضوع

باشد - مثلاً در لوح مذکور که برای

محبیب است ایه مناسب محبت و

اسم مناسب محبت را آوردیم ولی اگر

برای تفریق باشد باید ایه مناسب تفریق

و اسم مناسب تفریق را بیاوریم و قدر



سایر الواح را هم بهین خوب باید پر کرد - فقط  
در اینجا قوه در آن که عامل لازم دارد <sup>غیر</sup>  
که هرگاه يك عامل حساس باشد میتواند  
بلا استثناء هر عمل را از جا و جلاله برود

احسن ترتیب بدهد که دیگر هیچ کتاب  
و هیچ دستوری احتیاج نداشته باشد

و اما سایر عملیات از احضار و اخراج

و تفریق و غیره که با انواع و اقسام

مختلفه است بتفصیل است

(احضار) باید در ساعت سعد

عامل کاغذ سفید نمیزی را بقصد آوردن

مطلوب بشکل او بچیند و از برای او بم

در این کتاب  
مجموعه



بعلاوه اینکه بامقراض جالچشم و دهن غیر  
 را ترتیب داده است باقلم مخصوص بعمل  
 احضار و تحبیب بعضی لوازم صورت را  
 درست کند و سپس در شکم صورت  
 بنویسد (پافرشیا) و در سینه او  
 (پافرشیا) و در مقابل همان در پشت  
 صورت بنویسد (اُحْضَرُ عَنْكَ يَا فُلَانُ  
 بن فلان و یا اُحْضَرُ عَنْ فُلَانِ بن فلان  
 یا فلان بن فلان بخوهدا الاسم المنفوش  
 عليك في هذا المجلس العجل العجل العجل  
 الوحا الوحا الوحا الساعة الساعة الساعة  
 النار النار النار) توضیح لازم



در اینجا باید عامل ملتفت باشد که اگر بر  
 خودش عمل احضار را ترتیب میدهد  
 باید پشت صورت این عبارت نشین  
 شود (احضر عندی یا فلان بن فلان نا  
 آخر) و اگر برای یک نفر دیگر ترتیب میدهد  
 و مرد است باید باین عبارت بنویسد  
 (احضر عند یا فلان بن فلان نا آخر -  
 و اگر برای یک نفر زن است باید اینطور بنویسد  
 احضر عندها یا فلان بن فلان نا آخر -  
 و اگر برای دو نفر است خواه مرد خواه زن  
 باید باین قسم نوشته شود (احضر عند  
 یا فلان بن فلان نا آخر) و هرگاه برای جمعی



مرد است باید باین بخود گرشود (الآخر)  
 عندهم یا فلان ابن فلانه نا آخر (و چنانچه  
 بجهت جمعی از زنان است باید باین  
 نویسند) حاضر عندهن یا فلان بن فلان  
 نا آخر (و بعد اسم آن شخص را که میخواهد  
 حاضر کند با اسم مادرش بستا جمل  
 ابجد در آورد و بیست و یکمین حرف  
 که بعضی جمعش مثل درجا که بخوانند  
 ۹۴ محمد نام پسر زینب را در نزد خود جای  
 کنیم جمله مذکور را باید بکشد و  
 شصت و یکمین را باین قسم بخوانیم  
 حاضر عندک یا محمد بن زینب بحق



که بعضی صحتی (به چنانی هر <sup>سم</sup> <sup>پدر</sup>)  
 باید عدد گرفته و بخور زبور عمل نماید  
**و اما** راجع بان صورت باید از روی  
 بطرف عامل پشت بچانه معمول  
 قرار بدهد و بخور متعلق بان راهم  
 ند خپن نماید و با کمال حضور قلب مستعمل  
 خواند که جمله مذکور بشود و سایر شروط  
 راهم که در اعمال حرّی ذکر شد است منطبق  
 بدارد که بجز اینها تمام دعا می کند که می طاق  
 او حاضر خواهد شد ولیکن شرط  
 که اولاً برای حرام نبوده باشد یعنی  
 نباید فلان زن و یا فلان پسر <sup>شکار</sup>



برای شهوت را نه احضار کند - و ثانیاً باید  
ملاحظه مطلوب را هم بکند و قطع نماید  
که از حضور مطلوب ضرر منوجه خود و  
پادیکر نشود که اگر از این دو شرط متخطی  
شود یا اینکه عمل مؤثر نمیشود محتمل است  
که ضرر هم بشخص عامل برسد -

**ایضاً احضار** چنانچه خواسته باشد

کسی را منما بیل بخود نموده و او را در نزد خود  
حاضر کند باید در ساعت هر شب  
یا شمس یا قمر جموع عدد نام او و مادرش  
را با جمله احضر عندک یا احضر عندنا  
یا احضر عندک یا احضر عندهما یا احضر

عندهم

تذکره  
مجلس  
تجربیه



عندهم یا احضر عندهن) عدد گرفته  
و با مجموع اعداد حروف تارک عبارت  
از (ا ه ط م ف ش ز) شبیه و با عدد -  
م ف ن ا ط ی س) و با عدد موکل از وزن

جمع و کسر و ربع گرفته به مرتب مخصوص  
آن ببرد و عملیات وضع مرتب را مع الشرط  
معمول داشته و این غرض را هم بر احوال  
آن مرتب نوشته و آن نوشته را بر پای  
کنجشاک بسته و رها کند - ما دارام که  
آن کنجشاک در بر و از است فای مطلوب  
بی ارام و انا فانا میل و به طرف طالب  
زیادخواهد شد - اگر مرد است بیجا



کنجشاک زوهرگاه ماده است بیای  
کنجشاک ماده و شرط است که این عزیز  
را هم بعد د نام مطلوب بخواند و بقدر  
مسافت راه او تا خانه طالب صبر کند

اگر آمد فیه المراء والابان تجدید خواند  
نماید و عزیز این است - عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ  
وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ بِأَمْوَكَالِهِمْ هَذَا الْيَوْمِ وَإِنِّي  
إِنَّمَا الرُّوحَانِيُّونَ الْمُؤَكَّلُونَ عَلَى الْحُرُوفِ

النَّارِ هِيَ جَوَافِلُ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ عَلَى حَبِّ  
فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ هِيَ جَانَانُ شَدِيدُ الْإِفْرَارِ وَلَا  
صَبْرَ لَهُ الْإِبْرَصِيَّ الطَّالِبِ يَجْنُ أَهْطَاءُ بَدَلِ

وفشائل **محبیب**

هرگاه

عزیز این



هرگاه خواسته باشی فها بین دو حلال  
 تحبیب نمائی که روز بروز محبتشان  
 بپفزاید در ساعت سعد بین لوح را  
 روی کاغذ ضخیم که طافت آب داشته  
 باشد باز عفران و کلاب بنویسد و آیه  
 والقیث علیک حبه منی را هم که قبلاً ذکر  
 شد است بر هفت خورده فند که هر  
 پاره هفت بار بوده باشد بخواند و ناهفت  
 روز هر روزی یک مرتبه آن لوح را در آب  
 انداخته با یک پاره فند محبوب بخوراند  
 چنان شود که یک دم بجا او آرام  
 نداشته باشد و لوح مذکور این است

این کتاب  
 در  
 طب  
 است



روح	۲۱	۲۶	۱۹
روح	۲۰	۲۲	۲۴
روح	۲۵	۱۸	۲۳

اللَّهُمَّ الْوَحْبَةَ فَلَان بن فلان في قلب فلان

بن فلان باسمك الأعظم بدو روح پابد روح

پابد روح پابد روح

**مخبیب** هرگاه کسی از شخص رنجش

خواطر پیدا کرد باشد و خواسته باشد

آن رنجش را از قلب و دور کند باید این غرض

را بگوید

این دعا را هرگاه که  
کسی از شخص رنجش  
خواطر پیدا کرد  
باشد و خواسته باشد  
آن رنجش را از قلب  
و دور کند باید این  
غرض را بگوید



رابعه دمکسر نام ان شخص بر هفت دانه  
ریک بخواند و یک یک را بآب بدهد  
طولی نمیکشد که آن رنجش از دل او بیرون  
و بجای از محبت جا خواهد گرفت و غریبه

این است بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
اِسْتَمَدْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ وَنَزَعْتُ مِنْ  
قَلْبِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ كُلَّ غَيْظٍ وَكُلَّ بُرُودَةٍ  
وَنِفَاقٍ وَظُلْمَةٍ وَالْفَيْتُ فِي قَلْبِهِ مَحَبَّةٌ وَمَوَدَّةٌ  
مِنْهُ (اَوْ مِثْلُ) بِحَقِّ اسْمِهِ الْوَدُودِ الْمَحِبِّ  
الْوَلِيِّ اِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

**اِحْضَار** هرگاه بخواند کس را از راه دور

بخواند



بیاض و رخوای مرد بود باشد و خواه زن - آیه  
 شریفه **وَإِنْ كُنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدُنَّا مُحْضَرُونَ**  
 را عدد کرفته و بفانوی منبر برده و قواعد هر پنج  
 رفتار نموده - هر پنج آنرا بر برگ درخت انجیر  
 نوشته و آن برگ را در آب جوش بجوشانند و آن  
 آب را در سر چهار راه بپاشند و یک رباعی دیگر  
 نوشته بر درخت انجیر او بزان نماید و در زیر آن  
 هم قدری اسپند و کند سراند خپن نموده و غریبه  
 اش را هفتاد بار بخواند و مخصوصاً بعد از اتمام  
 غریبه بگوید ای روحانیتون ساکن در ظل این  
 لوح قسم میدهم شما را بجز من این آیه شریفه  
 که محبوب مرا بمن برسانید طولی نکشید



حاضر میشود و این است غریبه ان

عَزَمْتُ عَلَيْكَ وَافْسَمْتُ عَلَيْكَ بِأَمْوَكِل  
هَذَا اللَّوْحِ مُجَرَّمَةٍ وَأَنْ كَلَّامًا جَمِيعًا لَدُنَّا  
مُحَضَّرُونَ وَبِكُلِّ اسْمٍ خَفِيَ وَضُمِيَ فِي الْأَبَةِ

الْمُبَارَكَةِ أَنْ تُحَضَّرَ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ فِي مَجْلِسٍ

هَذَا مِنْ مَوَدَّةِ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ وَبِحَقِّ أَبِيهِ

أَبِيهِ وَبِهِ وَبِهِ بُوهُ هَاهَا هِيَ هُوَ هُوَ

مَهْمَه سَه سَه سَاه سَاه وَبِاسْمِكَ

الْأَعْظَمِ بِاللَّهِ ( احضار )

هرگاه کسی بخواند دیکری را از عشق خود یا

دیکری بیفزاید نماید بیاورد جامه مطلوب

را و این لوح را بمشک و زعفران

این کتب در  
کتابخانه  
مجلس است

این کتب در  
کتابخانه  
مجلس است

این کتب در  
کتابخانه  
مجلس است

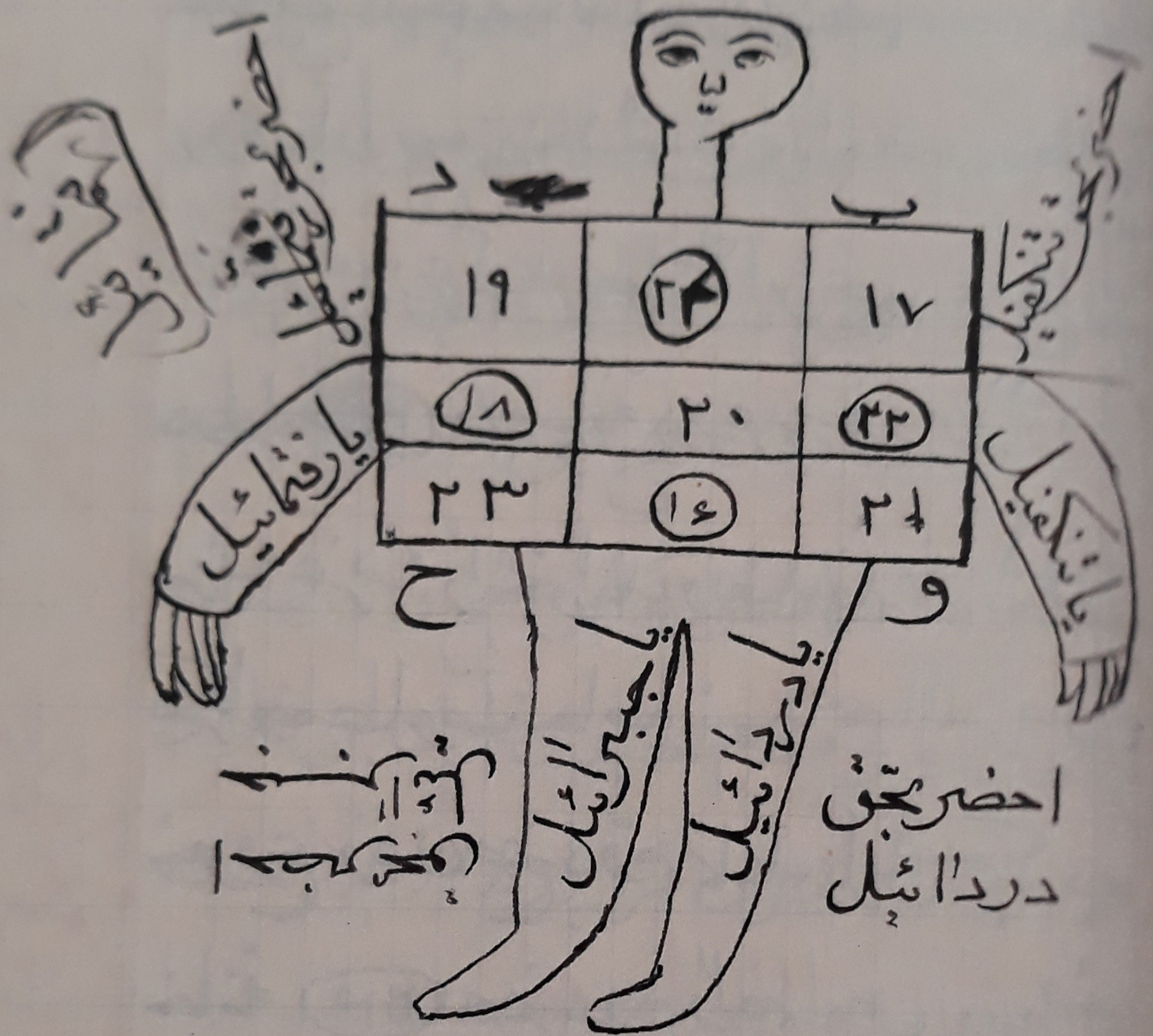


لوح اسرار

و القبی	علی	حسب	علی
علی	حسب	و القبی	علی
حسب	و القبی	علی	حسب
علی	و القبی	حسب	علی

بر آن بنویسد و در اطراف آن بنویسد  
 اندا ختم دوستی و عشق فلان بنی فلان  
 را در دل فلان مجرّمه و القبی علیک محبّه  
 منی - و بعد این طلسم را بر کاغذ سفید  
 نوشته و برد بوار و در و قبله بچسباند  
 احضر





بعد از آن لوح را که بر جامه مطلوب نوشته  
است در میان کله کرده و پس از خشک  
شدن نزد پاتاش دفن کند که نسوزد و  
بعد شروع بعمل صورت نماید باین قسم که چپا



عددی پنج از چوب افکار شهرین هفت کرده و رو  
بروی آن صورت نشسته و با حضور مطلوب  
در نظر شروع کند بخواند این غزیه و پنج اول  
در خانه (۲۲) در میان دو عدد فرو برد و

مرثیه غزیه را بخواند و بعد فدای کند  
هرگاه مطلوب حاضر شد فیه المراد و الا

شروع بزدن پنج دوم نماید باین قسم که در  
خانه (۲۳) پنج دوم را فیه باین آن رسم

فرو برد و نیز غزیه را <sup>بست</sup> مرثیه بخواند  
و باز بقدر مسافت خانه مطلوب صبر  
کند - چنانچه نیامد باز شروع بفرو برد

پنج سوم نماید باین قسم که در خانه (۲۴)

پنجمین



فما بین دو رفم فرو برد و بنجومند کور غره  
 بنخواند و قس علیها ثانیاً پنج چهارم در  
 خانه ① بنجومند کور عمل نماید و شرط است  
 که در وقت زدن میخ این تصور را بنماید  
 یا این قسم (همانطور که این میخ را در میان  
 اینخانه فرو بردم محبت فلان بن فلان  
 هم در قلب فلان فرو برد) و این است

## عنیمه او ثبات رجب

عَزَّمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَفْسَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا أَيُّهَا  
 الْأَرْوَاحُ الْمُؤَكَّلُونَ بِهَذِهِ الْحُرُوفِ الْبَاءِ  
 وَالذَّالِ وَالْوَاوِ وَالْحَاءِ وَيَجُوزُ لِلَّهِ الَّذِي  
 كَرَّمَ آيَاتِنَا أَنْ يَشْرَفَهُ بِسُجُودِ الْمَلَائِكَةِ

در جیب عظیم او ثبات







اندنا آنکه ملعبه دست بهال نشود - و بانی

شروط بنجی است که در ضمن قواعد وضع

مرجع ذکر شده است **(احضار)**

احضار

هرگاه خواسته شد که کسب را از عشق دیگر

ببفرار نماید باید اسم بدو قرح را عدد گرفته

با اسطالاب مطلوب نامگذاری و مادی هر دو

و در عشا اول روز پنجشنبه مرجع سازد

و سپس آنرا فبله کند و در چراغ نو کار نکند

که از کاشی بوده باشد گذارده باروغن کعبه

روزی خام مطلوب روشن کرده و غریبه ذیل

بعد اسم مطلوب و مادی روشن بخواند و بهتر

آن است که مرجع را بر جاسفیه از لباسها



مطلوب نویسد و غریبه اش را بدست

اللَّهُمَّ سَخِّرْ قَلْبَ فُلَانِ ابْنِ  
فُلَانِهِ عَلَى حُبِّ فُلَانِ بْنِ فُلَانِهِ

بِحَقِّ بَابِ دُوحِ اجِبْ بِاجِبِ ابْنِ  
بَادِرِ ابْنِ بَارِقِ ابْنِ بَارِقِ ابْنِ بَارِقِ

سَامِعًا طَبِيعًا بِحَقِّ بَابِ دُوحِ الْعَجَلِ الْعَجَلِ

الْعَجَلِ - و نیز فتنه کرد ادا شود که چون اصل

در اعمال غریبه است لهذا در مقام تعجب بر طایفه

و مطلوب باید در ساختن غریبه اسناد باشد

مثلاً طرز غریبه مذکور در روفی است که

شخص برادر دیگر عمل کند و اما هرگاه برادر خود

باشد عبارت آن باین نحو می شود

اللَّهُمَّ

مطلوب غریبه را  
بغیر از خود



اللهم سخر لي قلب فلان بن فلان  
 محبة ممتدة بحق يا بدوح  
 ما اخرجوا به نيز ملتفت اين نكته هم باشد  
 که در وقت تعيين مرتب و ترکیب اسباب  
 جمله را کامل کند و بصیرت حسن کردن  
 اسامی لفظ بدوح اکتفا نماید با این  
 معنی (خداوند محبت فلان پسر فلان  
 و باد خیر فلان را بدین دزد فلان بخون  
 بدوح) بعبارت اخری باید عدد جمله صحیح  
 با معنی را بگوید نه همان اسکانها را چنانچه  
 در کتب از کتب اهل فن که این بنده  
 فانی استدالله کرمان ضیاء علی نعمته الله



که جدای مادی را اینجانب جناب  
شیخ شهاب الدین سهروردی معروف  
میباشد مطالعه کرده و دیده و خواند

ام در هیچه موارد فقط بنده که هم اسکا  
اکفا نموده غالباً کت و سر بسته <sup>ظها</sup>

کرده اند تا آنکه بیکانه دوست محترم آقای  
جنابی جعفر همدانی باعث جمع اوری

این مجموعه شد و توصیه کردند که میل

دارم مجریانی چند بطور وضوح تهیه

شود تا مورد استنفاد هر خواننده بشود

که از این جهت موجبات ارزش ابناء

وامتکات بوده باشد - این است که عمل



باید در وقت ترکیب جمله ملثفت معنائ  
 بشود که لغو نباشد خواه فارسی و خواه  
 عربی مابقی شروط را در ضمن قوائین و  
 منع مزج خواهد دید و السلام

و اما فی نه جان منعلقه بنفیر و حرام  
 و اخراج شخص مودی از منزل یا از شهر  
 ذیل است ۱۷ نفیر و ۱۸

هرگاه خواسته باشی دو نفر حرام را از یکدیگر  
 بپنداری و یا جمعی را از هم متفرق سازی  
 باید ابتدائاً عک انرا در نظر بگیری که البته  
 در عفر و یا تحت الشعاع و یا اول روز  
 سه شنبه و یا اول روز شنبه بوده باشد و



بعضی موارد هم اول روز چهارشنبه خوب است  
و فاعده دانشن فرد ر عفری این است  
که بناسب محل ذکر میشود و بجز این  
طرفی که برای این موضوع ذکر شده است  
طریق این است که ابونصر در کتاب بنصاب  
الصبیان فرموده است و آن اینست

شعر افطوری

تعبیر این که  
عفری است  
از سال

هر چه از ماه شده مثنی کن  
پنج دیگر فزای بر سر آن  
پس هر پنج از آن ز خانه شمس  
کبر برجی و جای ماه بدان  
و آنچه مانند در آخر منزل

غزیر



ضرب کن در شش و درج صیدان

**مثلاً** هرگاه خواسته باشیم بدانیم الیوم که  
این صفحه را می نویسیم فرد رکذام برج است  
باید به بینیم چندم ما عربیست - چون

۲۴ جمادی الثانیه است باید بست و شش  
روز دیگر هم بر او بیفزائیم چرا که نصف  
اول از اشعار فوق این بود که آنچه از ما شد  
مشتی کن - یعنی دو مقابل فرارید -

که میشود ۵۲ روز بعد ۵ روز دیگر هم بر آن  
مبافزائیم چرا که نصف دوم از اشعار  
این بود پنج دیگر فزای بر سر آن که میشود  
۵۷ روز - که آنها را پنج - پنج جدا میکنیم



میشود بازده فسمت باخافه دوعده -

بعد نکاه کردیم دیدیم که افتاب در برج سنبله  
است حالا باید هر يك فسمت از ان بازده

فسمت را بیک برج بدهیم تا ببینیم ان  
فسمت آخری بکدام برج میرسد - مثلاً

فسمت اول را دادیم بسنبله فسمت دوم  
را بهمیزان - فسمت سوم را بعقرب

فسمت چهارم را بفوس - فسمت پنجم را  
بجذ - فسمت ششم را بدلو - فسمت

هفتم را بجوت - فسمت هشتم را بجمل

فسمت نهم را بشور - فسمت دهم را بجوز

فسمت یازدهم را دبیرطان دادیم -

بجاذبه



چرا که شعر دقم این بود - پس هر پنج ازان  
 ز خانه شمس - که بر تخت و کجا ماندن و  
 راجع بان دوروز یعنی دو عدد باقیمانده از  
 (۵۷) باید از ضرب در شش نموده و از عدد

برج بک محسوب بداریم با معنی که فردر  
 دوازدهم درجه از برج اسد است چرا که  
 شعر آخری این بود - و آنچه ماند در آخر منزل  
 ضرب کن در شش و درج مبدان (یعنی  
 از برای هر برجی از برج سی درجه است که  
 ازان عدد باقیمانده در جاث سپر فر معلوم  
 میگردد پس معلوم کردیم - امروز که ۲۷  
 جماد الثانیه سال هزار و سیصد و پنجاه و



هفت هجریست فردرد وازدهم درجه از برج

اسد است و همچنین اگر روز ۲۷ راجحنا

کنیم فردرد ۲۴ درجه از ان برج خواهد بود

خلاصه عامل باید در عمل **تفریق**

اول ساعت را غیبین کند - چنانچه

ذکر شد - بعد جمله سائر نماید و عدد

بکسر مثلاً ( فَرَّقْتُ بَيْنَ الْجَنَّةِ لِي وَ

الزُّجَّاجِ بِجُرْمَةٍ هَذِهِ الْآيَةُ **وَالْقَبَا**

**بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ**

وَيَحَقُّ اسْمُ اللَّهِ **الْفَارِقِ** بعد از ان

بعد دجل ایجاب محسوب داشته - پیر

کسر و ربع انرا در لوح مرتب مخصوص

طریق



بهر طبعی خود شرح چنانچه مشروحاً ذکر  
شده است پرنماید و بعد غیبین جماعتاً  
موافق دستور بنماید یعنی از تمام اعداد  
که جمع کرده است پس از طرح هفت هفت  
باید هفت عدد باقیمانده باشد یا سه عدد  
یا جماعتی که متعلق بکوکب زحل و مریخ و  
عطارد میباشد و اما هرگاه برخلاف مذکور  
باشد که یک عدد یا دو عدد یا پنج عدد یا شش  
عدد باقیمانده باشد شک نیست که باید یکی  
از حروف **ا ب ح ط** را بر آن باقیمانده افزود  
تا آنکه مطابق عمل ما که جلالت است بود  
باشد - و اما غریبه آن باید بعد و شما



اصل حروف جمله منتهی خوانده شود - و معلوم

است که در اینگونه موارد پیش از این شرح و

بسط لازم نیست - عامل جنانچه عامل

باشد خود میباید اندک چه باید بکند این است

یروین

## عربی تفسیر

که در تمام الواح تفریف هم میتوان بخواند

عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ ابْتِغَاءَ

الْأَرْوَاحِ الْجَلِيلَةِ الْمَوْكَلَةِ بِذَلِكَ الْوَجْهِ

وَمَا فِيهِ فَرَّقُوا بَيْنَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَفُلَانِ

بْنِ فُلَانٍ بِجُرْمِهِ الْإِثْمِ وَالْفِتْنَةِ بَيْنَهُمْ

الْعَدَاوَةِ وَالْبَغْضَاءِ وَبِاسْمِ اللَّهِ الْفَارِغِ

سَامِعًا مَطِيعًا الْعَجَلِ الْعَجَلِ الْعَجَلِ



السَّاعَةُ السَّاعَةُ

وَمَا طَرِيقُ اسْمِهِ دَاوُدُ وَكُلُّ رُوزٍ كَمَا مَنَعَلِي  
بَانَ اسْتَفْلَا ذِكْرُ شَيْءٍ وَحَنَاحُ بَنَكْرَانِ

## اَيْضًا نَفِيرِي

هَرَكَاهُ خَوَاسِنُهُ بِأَشْيَ فِيمَا بَيْنَ دَوْحِ الْأَمِّ نَفِيرِي  
نَمَائِي بَنُو دِيسٍ أَزْ لَوْحٍ مَذْكُورٍ ذِي شَشِ عَدَدِ  
بَا سِرْكَ وَنِپَلِ بَرَكَا غَذْفُ مَزْدَرِ سَاعَتِ حَلِ  
وَنَدَخِينِ مَجُورِ حَلِ دَرُوفَتِ نَوَاشِ مَوْمِ  
دَرْدَهِنِ بَكِيرِ دَوْلِبَاسِ فَرَحِ بِيُوشِدِ پَسِ اَزْ  
آن شَشِ لَوْحِ رَا بَسَهْ قَسْمَتِ نَفْسِ بِيْمِ نَمَائِدِ  
بَعْنِ آهَنَارِ دَوْنَا - دَوْنَا عَلِيْحَدِ بَكْنَدِ اَرْدِ  
بَعْدِ بَرِپَشْتِ بِكْ لَوْحِ اِسْمِ بَكْفَرِ اَلَا بَا

نَفِيرِي



مادرش و بر پشت لوح دیگر اسم آن بکفر  
 دیگر با مادرش بنویسد و اینها را سرونه  
 روی یکدیگر گذاشته و در میان دو عدد سون  
 زو ماده پشت به پشت قرار داده و با یک  
 سوزن آهنین آنها را استوار نماید - بعد  
 قسمت دوم را به همین قسم پشتها را  
 بنویسد و در میان دو شانه کوسفتند و زو  
 ماده بطور مندرک و قبل سرونه بگذارد -  
 بعد قسمت سوم را بنحو مندرک و به همین  
 دو سنک سپا بگذارد و روی آنها را با  
 ریحمان سپاه بپندد - اول انقسمت  
 اول که میان دو سونک گذاشته است



در میانۀ بالوعه و جائیکه خاکریز است  
 دفن نماید - و قسمت دوم را که میباد و  
 شانه گذارده است در قبرستان هون  
 دفن نماید و قسمت سوم را هم در جای  
 بپندارد لوح اینست

چرخه خجسته

۱۲	۲۷	۶
۹	۱۵	۲۱
۲۴	۳	۱۱

کلمه قرآنی بین النار والماء بجزء هذا اللوح

**ایضا قفرون**

تتمیم و کتب  
 سید و کتب

هرگاه خواسته باشی میانۀ دو حرام را بهم  
 زنی و در میان آنان جدائی افکنی بد این



کتاب را چهار پارچه نان بنویسید - هفت تا  
 از آنها را بکوبید سیادھی - هفت نای بکوبید  
 بسک سبک که حجر است - اما ساعت  
 فقط روز چهارشنبه - اول طلوع افتاب  
 و مابقی شروط بخوی است که در ضمن احکام  
 حریمات بیان شده است  
 هفت تا بسک

۳۰۰ یط ۵۰۱	۷۰۳ ون	۲۰۰۱ ۶۰۰
ب ۴	ابن اس	۲ د

هفت نای  
 ۷۸۰-۷۸۱  
 ۷۸۰-۷۸۱



هفت نای کره

۱۴۱۲ | ۱۰۱۱ | ۴۰۱۶ | ۱۰۳+۱۰

۴۰۱۶ | ۴۰۱۶ | ۴۰۱۶ | ۴۰۱۶

عزیمه شریف

عزیمه ان این است که باید در وقت

نوشتن بکمرته بخوانند و بران نان بدهد  
 بِمُوكَلِّ هَذَا الْعَمَلِ كُنْ مُعَاوِنًا لِانْجَامِ مَطْلُوبِ  
 وَفَرِّقْ بَيْنَهُمَا بِاِيْدِي اللَّهِ سَخَّرْتَ السَّمَوَاتِ  
 وَالْأَرْضَيْنِ وَأَقَامَ الْأَقْلَامَ وَالْآخِرِينَ  
 سَامِعًا مُطِيعًا الْعَمَلِ الْعَمَلِ  
 الْعَمَلِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ  
 السَّاعَةِ

ایضا تفیر



بنویس این لوح را بر کاغذ کبود یا قرمز  
و یا بر چا بکنفر از آن دو نفر یا نپل و سر که

والفینک	بنظر	الاع	والبعض
والبعض	الاع	بنظر	والفینک
الاع	والبعض	والفینک	بنظر
بنظر	والفینک	والبعض	الاع

مطلوبه  
نویس  
بر چا

و بعد آن را در رهگذر آنان دفن کند و  
شرط است که هر خانه را که مینویسد یکم  
تمام آیه را تا آخر بخوانند باین نحو -

عزیز



عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا أَيُّهَا  
الْأَرْوَاحُ الْمُوَكَّلُونَ هَذِهِ الْآيَةُ وَالْقَبِيلُ  
بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ إِلَى  
يَوْمِ الْقِيَامَةِ سَامِعًا مُطِيعًا

و ما فی شروط نیز بنجوست که در ضمن

قواعد مرتبغات بیان شده است

## ایضا تفهیم

و دل سر که میانه دو نفر که بطور غیر معقول و

از روی فسق و فجور با هم بوده باشند این پایه را

با کلمات مخصوصه بعد از آن بر کاغذ کبود

با قریب بانیل و سر که بنویسد و باب دهد و

وقت دادن باب نیت کند که هماغه طور که این

کتاب بنویسد

کتاب بنویسد







باید بر کاغذ که بود با قلم بنویسد و قدر رشته و سوز  
 سیاه در میان بگذارد و قدر هم روی آن بچسباند  
 و در ره که را ایشان دفن کند که حجت است  
 و له در ره جا عامل باید ملاحظه اباحه و حرمت  
 را بنماید که من غیر حجه خود را الوده بیک هم چنان  
 نماید که البته ضرر آن به عامل متوجه خواهد شد

### دعا این است

اللَّهُمَّ فَرِّقْ بَيْنَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَفُلَانِ  
 بْنِ فُلَانٍ كَمَا فَرَّقْتَ بَيْنَ الْحَيَاتِ وَالْمَمَاتِ  
 وَكَمَا فَرَّقْتَ بَيْنَ النَّارِ وَالنَّارِ بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ  
 سَخِّرْ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِكَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
 وَبِأَمْرِكَ النُّورِ وَالنَّارِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ



وامّا در وقت دفن کردن ایه و الفینا رانا الی  
 یوم الفیمة راهفت بار بخواند و بگوید بارها  
 چنانچه نودانا و بیانی ترا قسم میدهم بذات  
 تو که تمام وجود را در کفنه است فلان و فلان  
 را از یکدیگر جدا کن که تویی قادر و توانا

## ایضا تقریب

باید عامل در اول روز شنبه که فرد در غریب یا  
 تحت الشعاع و بانظر محسن بوده باشد ایه صبیح

مبارکة و الفینا بینه  
 العداوة والبغضاء الی یوم  
 الفیمة



راهفنادسه مرتبه برهفنادسه دانه پیشکالنجو<sup>ند</sup>  
 وبعد از خواندنک هم بگوید ای مردان غیبه  
 که در بر آوردن حاجات محتاجین مأمورید  
 استقامت یافت فلان و فلان را مهتاسازید  
 خداوند شما را رحمت کند بِمَحَبَّةٍ وَاللَّهِ الْاَظْهَرُ  
 وَسَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ - و شرط است  
 که عامل یقین کند این تفریق محض رضا خداست  
 والا اگر تردید داشته باشد و یا بحرف این مردم  
 اغفال شود شک نیست که ضرر شراب و خواهد  
 رسید و بعد لب جوی ابروان بندش بند و  
 یکی یکی از آن پیشکالها را باب دهد و بگوید  
 همانطور که ترا اب برد محبت را هم از من با فلان



و فلان آب برد و بعد از آن لوح را هم بنویسد و در  
 رها کند تا آن دفع کند و محترّب است که شاید در  
 هفت روز اثرات دل سزگ و تفریق فراهم گردد.

لَوْحِ امْرِاسِ

سید و سید

والفم من اب ي ف هم ال ع دا

سنجای اسماء

ایضاً نفروہ



سور لا ثبت را در نه در نه در ج کند و سپس در

دهن عیون کذا رد و با ابریشم سیاه هفتش را بدور  
و در کنار منجیلاب دفن نماید و یکی هم بنویسد در محل  
طرفین دفن کند - یکی هم بنویسد باب هد - و اما

و ع	۱/۱	۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵
۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵
۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵
۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵
۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵
۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵
۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵
۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵
۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵
۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵

نویسند و در  
کتاب ابریشم  
نویسند

جواب  
نویسند



**شرح** عده آن اینست که پس از اتمام نسخه با  
هشناد و یکبار ثبت را بدون بهمه بطور طبع  
و هشناد و یکبار هم بطور غیر طبعی بخواند و اما

(سوره **نبت** بی بسم الله)  
نَبَتْ يَدَا اِيْلَهَبْ نَبَتْ مَا اَعْنِ  
عَنْهُ مَالَهُ وَمَا كَسَتْ سَيَّضَلْ  
نَارًا زَا اِيْلَهَبْ وَ اَمْرَانَهُ حَمَالَتْ  
الْحَطَلْ فِي جَبَدِ هَلَا حَبْلُ مُرْبِسِ

(**نبت وارفه**)

دَسَمَنْ مَلَبْ حَاهَدِ  
مَجْفِ بَطْ لَسْتَلْ اَمْ هَتَرْ  
مَا وَبْ هَلْتَا ذَارَانِ يَلْ صَبِسِ

بَطْ بَطْ

جسکام



بِسْكَامٍ وَهَلَامٍ هَنْعَبِينَ غَامٍ  
بَنُوبٍ هَلِيبَاءٍ دِبْدَبْنٍ

و باید هر دفعه که بخواند بر آن نوشته ها  
بهد و بعد از اتمام عمل هم یکبار عزیمت نفر  
و افعه در صفحه را هم بخواند که دیگر عمل  
تمام است و باید عامل این عمل خیلی مراقب  
وقت و شرط آن بوده باشد و حتی الامکان  
از ارتکاب این عمل احتراز کند و بعد از دست  
پایین کار نزنند که موکلین این ملوح خیلی رفیع  
و عظیم الخطرند و برای هر نفرین کوچکی  
از آن موکلین استند و نباید جست مگر آنکه  
مجبور شده و یا آنکه بسیار عملیات دشواری



نداشته باشد - خلاصه آنکه عظمت این  
 لوح را این دو فقره سوره مذکور زیاده است آنکه  
 موفعیت موضوع را بدست نیاوردیم  
 دست این لوح بزنید - اول این حاصل کند  
 که نفی و اثبات موفعیت دارد بانه - یعنی اگر هم  
 بالفرض که نفی و اثبات این دو حلال نیست  
 باز هم ناممکن است از سایر نسخه بخاستن فساد  
 نمائید که هرگاه عامل از آنها نتیجه نگرفت  
 انوقت از آن استنفاذ نمودن عیب ندارد -  
 زیرا که بر آن هر امر کوچکی موکل این رفیع المفا  
 را بر حمت نباید انداخت و باید حتر الامکا  
 هم کاری کنید که این نسخه در دست همه کس

نیفتند



نیتند که اجاز دهند و اند و اما راجع بخوار  
 و سایر شروط بخوابست که قبل از در ضمن  
 مملکت گذشت اظهاریت است و کوبا  
 مملکتی که از بهترین بخوار است این عمل است که  
 با اسپندند خین میشود و لی باید در وقت  
 نوشتن لوح البینه بخور نباشد و لوانکه هما  
 اسپندند آنها هم هستند خین کنند و بعد از آن  
 هم عامل باید یک پایه الکری بخواند و بر خود بیدارد  
 که از اثرات جلای ارواح کسالتی عارض او نکرد

## اخراج

هرگاه خواسته باشد کسیرا از خانه و دکان  
 و یا از شهر بیرون نمائد تا رفع اذیت او



او از دیگران بشود باید قدر از جامه او را بپاؤ  
و هفت پارچه بنمائید و بر هر پارچه یک لوح از این  
الوا هفت گانه را بنویسید و در هفت روز هر  
روزی یک پارچه از آن هفت پارچه را باب روان  
بدهید و غریبه آنرا هم هفت مرتبه باند خنجر  
بخوانید که حجر تبیت الواح هفت گانه اینهاست

روز اول	ب	پ	ت	ج	د	هـ	و	ز
۲	۱۴	۹	۱۳	۸	۱۲	۷	۱۱	۶
۱۲	۱۰	۱	۱۵	۴	۱۶	۳	۱۷	۵
۱۱	۶	۱۳	۲	۱۴	۷	۱۵	۱۰	۹



يوم فجر المراء

1.	10	1'
9	11	12
12	✓	12

روز

الحمد لله رب العالمين

تسبب و خبر

اللَّهُمَّ اخْرِجْ فَلَانًا مِنْ هَذَا الْمَكَانِ

بحر كل اسم خفي  
في هذا اللوح وبحر

11	15	9
10	12	14
15	1	13

روز سوم

اسمك وصفاتك

ان تصلى على محمد وال محمد وان ترحمنا نخرج وجهك الله

12	14	16
11	13	15
18	9	17

سوزان

اللهم اخرج فلانا من  
هذا المكان بحق كل  
اسم مضمر في هذه  
الدعاء يا الله انا و  
يا محمد و



۱۱	۱۸	۱۳
۱۶	۱۴	۱۲
۱۵	۱۰	۱۷

اللهم اخرج فلونا  
من هذه المكان  
بجمعه هذا اللوح  
وفاقه يا حي يا  
قوي يا ارحم  
يا جبار يا هو

۱۲	۱۹	۱۴
۱۷	۱۵	۱۳
۱۶	۱۱	۱۸

اللهم اخرج فلونا  
من هذه المكان  
بجمعه هذا اللوح وما  
فيه يا هو يا ارحم  
يا جبار يا ارحم  
يا حي

۱۳	۲۰	۱۵
۱۸	۱۶	۱۴
۱۷	۱۲	۱۹

اللهم اخرج فلونا من هذا المكان  
بجمعه هذا اللوح وما فيه من اسماط  
وصفانك يا ارحم  
يا جبار يا ارحم  
يا حي يا ارحم  
يا جبار يا ارحم

يا حاميل

كن معينا لهذا الامر العجل
العجل الساعه الساعه الموحا الو

وبما قد يرتوشن عبارات عرفت كامل غمايد كهين و پيش

پيش



بیشتر

بیشتر غزیه الواح هفتگانه که باید در

ف ت باب دادن آنها بخواند این است

بسم الله الرحمن الرحيم

عزمت عليكم واقسمت عليكم ابتها

الارواح الموكلون بهذه الواح وما

فيها ان تحييون في اخراج وتعينوني

في اخراج فلان بن فلان من هذا

المكان باسماء الله العظام سميعا

مطيعا العجل العجل اخرج اخرج

الخرابك الخرابك الساعة الساعة واما

بالشروط بنحوي است که ضمن عملیات  
جماله ذکر شده است - مخصوصا با



باینجا مراجعه باید نمود تا از لوازم هنگام عمل

غفلت نشود (ایضاً اخراج)

عملیات استخراج

چنانچه خواسته باشید کسیراً از جای  
اخراج نمائی اگر چه افضل از طلسم هفتگانه

قبل عمل بنظر نهد و اگر چه در این باب

الواح و اعمال بسیار وارد شده است ولی

از اینجا بیکه مقصود از این مجموعه جمع پاک

از مجربات قوم است فقط در خصوص

اخراج بد و گناه مجرب اکتفا میشود و

برای اخراج کلی که ابتدا از انحول وحوش

و از آن شهر خارج شود که همان عمل است

است و یکی دیگر آنکه از خانه بخانه دیگر

انتقال

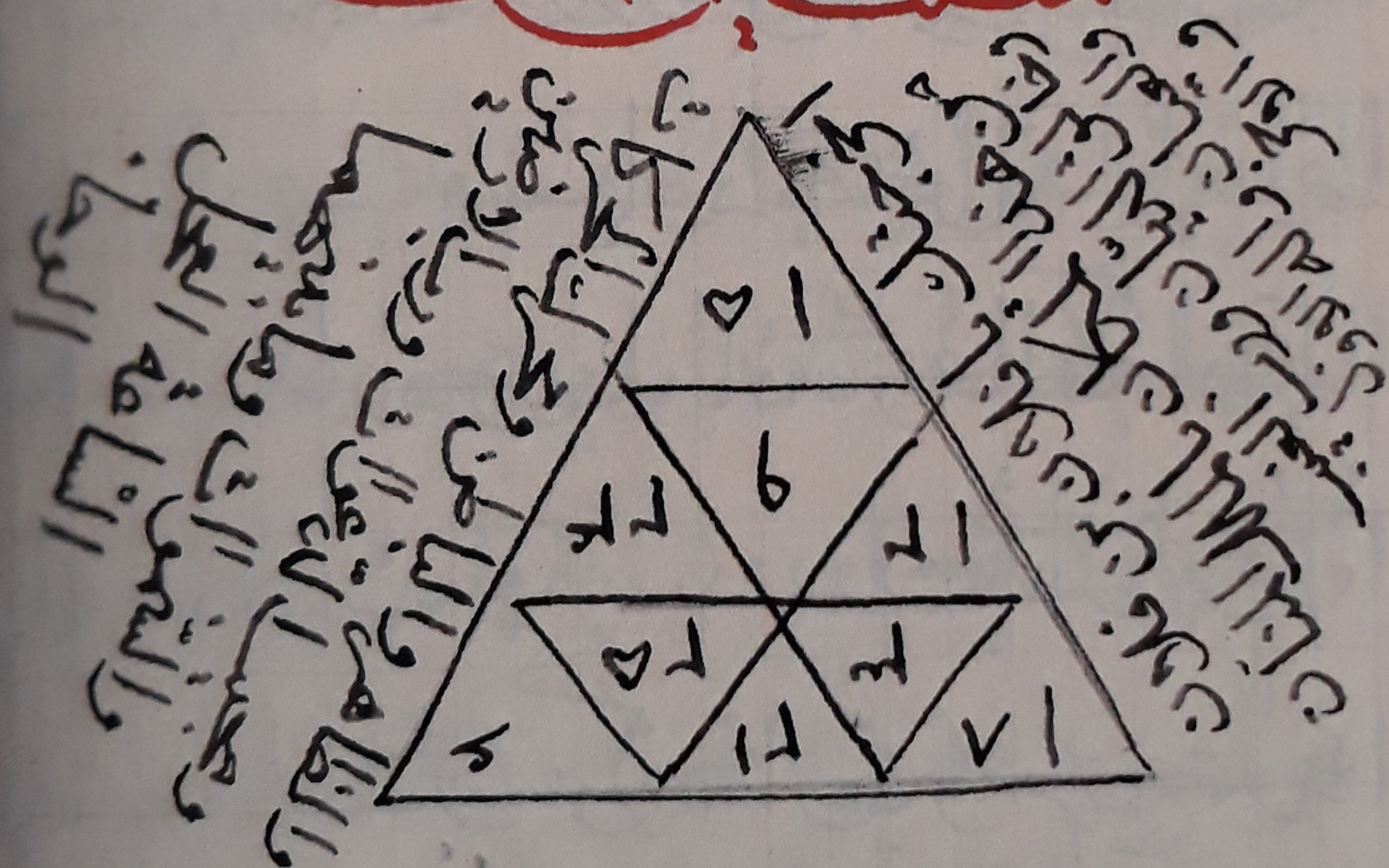


انتقال باید و آن اینست که ناهفت روز روز  
هفت مرتبه سوره اذا زلزله را باندختن بخور  
از روز چهارشنبه تحت الشعاع پادشاهت یا  
فرد عقیق شروع نماید که در روز شنبه  
خاتم نماید همه روز برفد ری جلالت و  
تخم جاروب و سپاه دانه بخواند و آنها را  
تکاهب رد و بعد بافد که خاک که از چها  
راه بادست چپ در روز چهارشنبه برداشته  
باشد بافد که سر که مخلوط و مخرج نموده  
و آنها را در خانه مطلوب بریزد و در وقت  
درختن بگوید بیرون کردم ترا ای فلان پسر  
فلان از این مکان بخو سوره زلزله این



عمل را تا هفت روز معمول دارد و در هر روز هفتم  
 هم این مثلث را بر سفال یا بندقه نوشته  
 و بعد آنرا نرم کرده و در آن محل پاشد که  
 مجرب است

## مثلث این است



و اما عامل باید در هیچ جا شرط مقرر  
 فرو گذاشتن نماید که عمدتاً ظهور آثار در کلیه  
 عملیات جلالت و جمالت میسر بر عمل کردن  
 بیشتر



شروط اضا است

## عَلَيَّ عَقْدُ الْاَن

ما اینکه در ضمن بیان کردن افسام و تعلیمات و نیز  
مکانه و ذکر ایات مناسب هر عمل و اسماء الله

مناسب هر عملی از برای عامل و صبر معلوم است

که چه باید بکند - و لے معذلت در اینجا هم بکن

هاتوا ازم مبادرت جسته و بعضی ایات عقد

الآن اظهار می دارد - خلاصه هرگاه خوا

باشید کسی را زبان بند کنید باز هم مانند

سابق جمله مخصوص با آنرا تشکیل داده باین قسم

(بسم زبان فلان بن فلان را بر روی فلان بن

فلان بجرمه این ایامه البوم نختم علی افواههم و تکلّمنا



در رب یک یس است

در رب یک یس است  
ترتیب ۹  
در رب یک یس است

ابدهم وقته دارجلهم بما كانوا يكسبون و تجوا الله  
الفا بضر الجامع لما لك الخالق البديع (پس از آن جا  
مذكوره بکند و ببیند بکدام يك از عناصر متعلق  
دارد و بعد بطرحها هفتگانه و ببیند بکدام يك  
از کواکب متعلق است تا موافق آن با ماند  
علم نماید و البته آن مرتبی را که من باب مثل  
در صفحه (۲۱) پر کرده و عدد کفرینم در نظر  
خواهید داشت - رتبه پر کردن هفت  
است که نسبت بان مرتب معمول داشته  
ایم **بلی** نظر باینکه شاید عامل در استخراج  
غریبه باشد کمال بر خورد غریبه را استخراج نمود  
و در اینجا ذکر مینماید تا در کلیه الواح عقد

اللسان



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

الآن اذان اسفاده نوان نمود - عزه ايدست

هزمت عليكم وافسمت عليكم ابتها الارواح

الموكلة بهذه الآية والاسماء اليوم تحم

على افواههم وتكلمنا ايديهم وتشهد اسما

ارجلهم بما كانوا يكسبون الله فابض ملح

مالك خالف يبيع ان تعفد واليسافلان

برفان على وجه فلان بن فلان سامعا

مطبا العمل الساعة الوحا ومجزة

كهم بعض جمعسوق ولا حول ولا قوة الا

بالله العلي العظيم وصلى الله على سيد العرب

والعبي محمد وآله الطيبين الطاهرين

المعصومين



ایضاً عقد اللسان (هرگاه خواسته باشد)

زبان بکبرابر و در پیکر با خودت بدین

اول عمل الواحی مذکور را هرگاه از عهد بران

در درجه مافوق از عقد اللسان است که هیچ

عمل بیایه آن نمیتواند رسید **و اما** هرگاه

در درجه پایین تر از آن منظور باشد نیز

این عمل هم مجرب است باین نحو که باید لوح

را بر جامه شخص منظور بنویسند و اگر اشکال

داشته باشد در تمام مواردی که باید بر جامه

نوشته شود باید قدر فاشا شده را در آب

حل نموده و آنها را بپزی تا مانند پالوده شود

پس از آن توسط یک پارچه ولته از آن لعاب

روی آن

کلمه نفع آوری  
دادن بجان و  
عقد اللسان و



روی انپاره جامه میبکشی و خوب از صاف  
 بکنواخت میکنی که بهما خاشاک شود و  
 پس از آنکه خشک شد از آن روختنه صافی  
 گذاردی پس از آن از آن بوسیله کشید سنگ  
 مرصاف یا بلور یا نخر آنها آن جامه را صاف  
 و صاف کرده میکنی که در وقت نوشتن حروف  
 الواح بخوبی نوشته شود و لوح مذکور این است

ل	ل	س	ع	ف	ص	ن	ر	ش	ت
۹۰	۱۰۳	۱۰۰	۹۷	۹۶	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵
۱۰۱	۹۶	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸
۹۵	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹
۱۰۴	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱



اللَّهُمَّ اعْفِدْ لِيَانِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ عَلَى وَجْهِ

فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ بِاسْمِكَ اللَّهُ عَفْدٌ بِكُلِّ شَيْءٍ

حَتَّى لَا يَنْكَلِمَ فِيهِ (در اینجا باید اسم آنکسی را

که میخواهد در باره اش زبان دیگر بسته

شود بنویسد - نه آنکس را که میخواهد زیان

کند) الْأَخْيَرُ وَلَا يَرْضَى لَهُ الْأَخْيَرُ

بِأَخْيَرِ الْمُعْطَيْنِ وَخَيْرِ الرَّاغِبِينَ وَخَيْرِ

الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَخَيْرِهِمَا فِي الْوُجُودِ

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ

اجْمَعِينَ

بعد آنجا که را در زبیر سنک کرانی دفن میکنی

مادامیکه آنجا که زبیر سنک است زبان طرف

جسته بگر



بسته است

## ۱۱ ایضاً عفت اللسان ۱۱

هرگاه کسی خواسته باشد که زبان بدگویان  
و حاسدان و غمازان و مفسدان و بد  
خواهان و بد نفسان بر وی کسی بسته گردد  
بنویسد این دعا مبارک را بر کاغذ خوب  
و با پارچه کار نکند و مهر کرد و در غوی در  
اول روز چهارشنبه که اذان عطار است  
و بعد از آن آن دعا را بموم گرفته بر بازو  
راست خود ببندد و زبان تمام خلق بر  
روی او بسته گردد و این از حجره است

دعا این است







ع ۶۶۶۶۶۶ و ه ص م

دَمَ احضار ارواح رجال الغیب  
و طریقه مکالمه با آنان  
بلا واسطه - در این کتاب

هرگاه کسی خواسته باشد دارای این شرف  
و مقام گردد باید بشرط ذیل عمل نماید تا  
موفقیت او را حاصل آید

۱- باید عامل این عمل دارای مذهب حق  
جعفری بوده باشد و به نام ما جابد النبی  
افراد اشته باشد تا دارای این اثبات  
راسخ و صاحب یقین کامل بوده باشد و  
الاجتنابیه مثلاً بوجود خارج ارواح و جن



ویری و ملائکه و امثال ذلک معتقد نشد  
 چگونه میتوانند قدم بدایره وسیع این علم  
 و عمل گذارند پس باید اول بلا اول ایمان و اعتقاد  
 بما وراء این عالم و بملائکه مفرقین و وجود روح  
 کلی و ارواح قبل از ابدان و وجود ارواح نفس  
 از خوب و بد و وجود جن و شیاطین و طغایه  
 و درجات آنها چنانچه شارع مقدس اسرار  
 بیان فرموده است دانسته باشد و مانند  
 بعضی از مردم که منکر روح و تشکیلات او هستند  
 نباید باشد بعبارة آخری تا وجود کسی را ثابت  
 نکند چطور میتواند در احضار او بکوشد  
 پس دانش اعتقاد بمعقولات مذہب از ارکان



شروط این عمل است که البته باید خود عامل  
 این موضوع را وجیداً تأمل کند و ببیند هرگاه  
 بوجود ارواح یعنی بوجود جمیع که از انظار ما  
 غایبند معتقد است که فیها المراد والا  
 پیرامون این عمل ننکرده که حاصله ندارد  
**۲- عامل باید از این کار قصدش سوء نیتاً**  
 نباشد و طالباً لمرضاة الله و اردیه ریاضاً  
 آن بشود - یعنی قصدش محض خدا باشد  
 که از این عالم این راه بعالم انسانیت خدایت  
 بکند - چرا که اولین مرحله از موفقیت نیت  
 پاک و پاکیزه است که عامل باید داشته باشد  
 که چنانچه قصد عامل محض هوای نفس باشد



البته موفقیت پیدا نخواهد نمود چرا که ارواح  
از قلب و اکا هند و هیچوقت در امثال امر  
چنین شخص حاضر نخواهند شد

۳- عامل باید در اداء فرائض اسلامی

علاقه مند بوده باشد که اگر حیانا بعض  
عبادات و ترک شده باشد در قضاء آنها بتوانند  
اقدام نموده و عمل نماید و معتقد است معتقد  
شیعه اثناعشری بوده باشد و عبارت از آن  
مانند بعضی فرق اسلامی منکر ضرورت دین  
نباشد

۴- عامل باید در هر کجائی که باشد در

تعمیم شعائر اسلامی علاقه مند بوده باشد

عامل باید



عامل باید از خوردن حرام و مشنبه حرام  
 واکل مینه و آنچه که در حکم مینه است  
 مانند گوشت خوک و ذبیحه ها غیر مذبذب  
 جعفری و از خوردن گوشت های مکرر و نهند  
 است فاطره و الاغ اجذاب و زرد و حتم  
 الامکان هم از خوردن آن که بدست خارج  
 از مذهب حق جعفری گفته شده است آخر  
 نماید چرا که باید شخص مرتبط به عالم ارواح  
 دارای روح پاک و قلب پاکیزه بوده باشد  
 و شک نیست که از خوردن اشیا نجس  
 و ناپاک روح پاک تولید نمیکرد و هرگز  
 ارواح مقدس با این گونه اشخاص



ارتباط پیدا نخواهند نمود

**ع-** عامل باید لا خصوصاً لا ط و ملوط

هم نباشد و مادام العمر هم پس از وصول

بمرتبه ارتباط بعالم ارواح مقدسه از خود

و شرب عرف مخصوصاً خود دارای نماید که از

طرف خود ارواح مقدسه هیچه توصیه

میشود که اگر شخص در رای عمل احضار

ارواح مقدسه مرتکب عمل شنیع لواط

(الاطیایکان آملوطاً) و یا شرب عرف کرده

عملش قطع و دیگر ارواح مقدسه با او ارتباط

نخواهند داشت چرا که او را عمل لواط کرده

تمام شرایع حقه دنیا ممنوع و عامل آن را

بیزکر



بایند کشت مسلم است که موجب ایند نام  
 اساس خلقت است و شری عرف هم بر تمام  
 عقلا عالم ثابت شد که از افسد مفاسد  
 عالم دنیا و مضر اساس آدمیت و انشایست  
 پس حق همچنین است که ارواح مقدسه امثال  
 امرچینر کسپر انما بپند - خلاصه هرگاه  
 عامل عمل احضار ارواح مقدسه مرتکب <sup>ضوع</sup> شود  
 قبل شد عملش زایل و ناجار است از تجدید  
 بر پا ضت

۷ - عامل باید در گرفتن جواب فهمت  
 تعبیر نکند و این عمل را اساس امر <sup>مشار</sup>  
 خود قرار دهند که ارواح مقدسه هرگز



حاضر نیستند که امثال امرها پند - بناء  
 علیهمذا بر عامل عالم هوشمند و واجب لازم  
 که همت خود را بلند و تحصیل این رتبه را  
 فقط بر آن خدمت بخلاق بنماید چنانکه قبل از هم  
 در نیت ذکر شد که باید نیت عامل محضاً  
 لله بوده باشد

۸ - عامل باید اذن و اجازه صریح از رتبه  
 قلب از اسناد خجاست صاحب عمل داشته باشد  
 که اصل الاصول و اساس الاساس و رکن الارکان  
 و باب الابواب و مفتاح المفاتیح این عمل همانا  
 اذن و اجازه اسناد کامل و عمل است -  
 انهم نه شفاها و لساناً و لفظاً و کتباتاً و قولاً هیچ

کدام از این



کدام از این اجازه ها اثری مترتب نیست بلکه  
 اجازه هها طیب خاطر و نمایم معنواست  
 که شخص عامل اسناد بفرزند و شاگرد خود  
 میدهد - پس بر ما واجب لازم است  
 نامستوانیم این کتب را بجوئیم و راه وصول به  
 این حقیقت را پیدا کنیم - و بلکه میتوان  
 گفت که فقط و فقط بکانه شرط وصول باین  
 مرتبه هها اجازه مخصوص اسناد است که غیر  
 زیرا که هرگاه تمام شروط درجا جمع شد باشد  
 ولی اجازه اسناد نباشد هرگز حاصل نخواهد  
 داشت بناءً علیهمند بر ما واجب لازم است  
 که این اصل محکم را نامستوانیم برای عامل شرح



و ببط و تشریح بنمائیم تا شاید موجب انسداد  
 اورا فراهم نموده و به طرف این شرط سوفش بندیم  
 چرا که این شرط از اہم شروط و بلعین ہر  
 روح ہماست لهذا عامل باید نامیثوانند و  
 محترم اسناد صاحب عمل را پیدا کند و مانند  
 جان اورا سنا پیش نماید۔ او امر اورا واجب  
 رضایت اورا بر رضایت دیگران ترجیح دهد  
 و فرمان اورا مانند فرمان خدا اطاعت نماید  
 و با کمال بردباری انا فانا رضایت اورا تحصیل نماید  
 ظہر العین پیش را حفظ و اورا بیش از ہر چیز  
 دوست بدارد و صمیمیت اسناد را نسبت  
 بخود از راہ خدمتگذاری اثنا بدینا بدو هیچ



وقت برخلاف فصل و راء او سناد دفع بر ندارد  
 و اگر احیاناً برخلاف فصل و رقاءری کرد فوری  
 در مقام معذرت برآید و بایستاد در رفع نگو  
 و چیزی را از او پنهان دارد تا اسناد هم که بکانه  
 راه وصول است با او در مقام اتحاد و معنویت  
 برآید و هیچ چیز را از او دریغ ندارد

۱- اسناد هم اجازه این عمل را در مقابل  
 جهل دنیوی و مال و منال نافرمانی دنیا نمیشوند  
 با خود بدهد - فقط بر اسناد لازم است که  
 مراتب استعداد و لیاقت معمول در دست و استحقاق  
 شاگرد را منظور بدارد و محضاً الله با او بذل  
 استعد بنماید چرا که پیغمبر اکرم صلی الله علیه



والله وسلم فرموده است **الْعِلْمُ لَا يَحِلُّ**

**مَنْعُهُ** یعنی منع کردن علم از کسی که <sup>از شاکر بن</sup> ستمنا

دارد حلال نیست - یعنی منع کردن علم حلال

نیست - بعبارة اخرى هر که خواهد که علم آموزد

و ثواب را منع کنی و یا آنکه بدانی و از او دریغ دار

آن علم بر تو حرام است **وعبسی بن حریم**

علی نبینا والله وعلیه السلام میگوید که علم از

مستحق باز میدارد و بنا مستحق میاموزد

که از مستحق باز گرفتار **علم همچنانست**

که بنا مستحق **اموختن** و در کتب حکمت

است که بزرگتر ظلم آنست که علم از مستحق باز

گیرند و از این بتر آنست که بنا مستحق آموزند



بر آنکه یکی از فرمایشات پیغمبر اکرم این است  
**لَا يُؤْمِرُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لَخَبِيرٍ**  
**مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ** یعنی ایمان بخدا بیایا

نیاورده است احکام از شما نادوست بدارد برای  
 برادر ایمانیش آنچه را که برای خودش دوست  
 ۱- عامل باید عاف والدین و عاف اسناد هم  
 نباشد

۱۱- عامل باید که فلم و قدم برای تفریق هیچ  
 کس بر ندارد - خواه حلال و خواه حرام -  
 ۱۲- عامل باید در مقام دادن جواب محبت  
 کمال جهد و جهد را داشته باشد که اگر بیچاره  
 را محتاج بسؤال از ارواح دید بدو و معطل



در هر وقت از اوقات ولود زینمه ها شب و  
سختترین موافق باید در گرفتن جواب میداد زینمه

۱۳- عامل باید حتی المقدور در اداء دین

اشخاص نهایت جِد و جهد را داشته باشد

که اگر رحب باشند فیها المراد و اگر از فید حبك

رسنه اند بوارث شرعی نان بدهد و اگر واث

ندارند و با آنکه نمیدانند مرده اند باز فدا انداز

برای آنها رد مظالم بدهد که عامل باید در تمام

اوقات سبکبار بوده باشد و نیز چنانچه

عامل نسبت بد بکران غیبت کرده و با

هشت زده و افتراء بسته باشد باید در

مقام استرضاء خاطر هر يك برآید و اگر از

و نیز چنانچه



فبِحَبِیْثٍ رَسْنَهْ اَنْد بوسپله دعا کردن و نما  
و فرآن خواندن و صدقه دادن برای آنان بپهرنحو  
که هست چه در حیات آنان و چه در همت آنان  
باید آنها را از خود راضی و خوشنود بنماید تا  
آنکه ندر عجا خود را نسبت بنمام خلق بجز الله  
بداند

۱۴- عامل باید هیچوقت از ترک و نصیبه  
قلب غفلت ننماید تا رفتن رفتن قابل و  
اشرفات ارواح قدسیه بشود  
۱۵- عامل باید در تحت الشعاع (یعنی  
یکه در روز که فرد زطل شمس واقع شده  
و دیده نمیشود که غالباً هفتاد و روز آخر



ما است) و فرد عرف که فاعده اش در ص  
 ذکر شده و در ایام لیالی و ایام منبر که شبها  
 عزیزمانند شبها قدر و شب عا شورا و ۲۱  
 رمضان و شبها رحلت و شهادت ائمه  
 اطهار علیهم السلام از عمل احضار خود در  
 کند که ارواح مقدسه هم در عالم خود بتکالیف  
 و وظائف عزاداری مفید و مشغولند

**۱۶- عامل باید مال صغیر و بزرگ را داخل**  
 مال خود نکند و ابدا از حیف میل مال صغیر  
 بپرهنند

**۱۷- عامل باید حتی الامکان دارای صفت**  
 ایشار باشد تا چنانچه در بیان به پیاده



برخورد که آن پیاده را از رفتن عاجز و در حین  
 فوق العاده مشاهده کند باید حتی المقدور  
 اسایش آن پیاده را فراهم کند باینکه اگر  
 مرکوبی دارد و ممکن است با آن پیاده مساعد  
 نماید فیهما المراد و اگر ندارد ولی میتواند در  
 مرکوب افتد ام نماید البتة برا و واجب است  
 که وسائل تهیه مرکوب برای او فراهم آورد  
 و لو بدادن پول هم باشد از تهیه و تحصیل  
 مرکوب برای آن پیاده خود داری نباید بنماید  
 و اگر آن پیاده تشنه و گرسنه باشد نیز  
 همان عمل را که نسبت بمركوب با او کرده است  
 راجع بتهیه آب و نان و اكل شرب هم باید



بنماید حتی آنکه هرگاه هیچوجه ممکن نباشد  
 که وسایل اسایش آن پیاده را فراهم آورد  
 الا باینکه مرکوب خود را با ویدهد و خود  
 پیاده برود البته باید همین کار را بکند که  
 الشخص پیاده از پیاده روی عاجز است و  
 عامل میتواند پیاده برود باید مرکوب را  
 واکذار و خودش پیاده برود و بلکه بالاضافه  
 آن این است که اگر هیچوجه از برای عامل ممکن  
 نیست که از برای آن پیاده حصیه مرکوب  
 و خودش هم پیاده باشد ولی میتواند آن را  
 را بدیشت بکشد باید با او باین نحو مسافرت  
 و ایشا و نماید تا آنکه آن پیاده پیچاره آن خطر



محفوظ بماند و عامل هم بمنزل برسد چرا  
 که کار را از این اتفاقات افتاد است که در  
 یکراه محفوف طولانی خواهد در هوای گرم -  
 خواهد در هوای سرد شخص بر خورده است <sup>به</sup> است  
 پیر مرد ضعیف بیچاره که نه قوه رفتن دارد  
 نه بارای برگشتن و نه مرکوبی برای طرفین  
 ممکن است و نه توقف در هیچ مکانی  
 پس واجب است شخص فوراً بلا تأمل  
 همت از مولی خواسته و محضاً الله ان پیاده  
 بیچاره را خواه زن - خواه مرد - خواه  
 پیر - خواه جوان - خواه دوست - خواه  
 دشمن - خواه کافر - خواه مسلمان



بلا استثناء بد و شر کشیده تا آنجا شد  
 ممکن است او را از خطر نجات بدهد  
 و بچه پنهان در خصوص نشسته و کمر سینه  
 همین عمل را باید بجا آورد - یعنی اگر نشسته  
 و کمر سینه بر خورد همپس که ملاحظه کرد  
 و دید که نفد می تواند با آب و نان خود  
 او را از تشنگی و کمر سینه نجات دهد  
 بلاد رنگ و نامت باید در مقام ایستاد  
 ای و ملاحظه بعد از نماز - چرا که  
 ممکن است در هیچه مفاحی ان بچا  
 هلاک شود و خون او در گردن ان نشسته  
 بماند - حال او را بجا چه می توان فرض کرد



اما با وجود قدرت یک همچو خداوند که افریننده  
 تمام ممکنات است ممکن است که یکبار  
 یک همچو آدمی که با نوع خود شرح چنین رفتار  
 کرده باشد از بین برود و بپای در چارمخصه  
 و زحمت فوز العاده طافت فرستاد گردد  
 لا والله که هنوز دیده نشد که در هیچ مواردی  
 درهای بسته گشاده نشود - از کجا معلوم  
 است که در هیچ موافقی از حربه حقیقی  
 نخواستنه باشد آن بنده اش را بیازماید  
 از کجا معلوم است که یکی از ارواح قدسیه  
 را برای عامل ظاهر نکرده باشد تا از این راه او را  
 مقصد برساند - البته جائی که تمام ذرات



موجودات فرمانبر خدا و لشکر او بند ممکن  
 است بمجرب آنکه عامل صادق و پاک همچو  
 راحض الله بیک بند از بند کار خدا و با  
 بیک از افراد بشر بکند - هزار ارواح از او  
 خوشنود و فوری در امثال امر او و نهایت مساعی  
 بنمایند - چنانچه در کتب تاریخ بسیار  
 از امثال این حکایات وارد است که در اینجا  
 ذکر آنها موجب تطویل ناملاست -  
 اجمالاً آنکه اینگونه صفات قدسیه در هر بنده  
 از بنده کار خدا که بوده باشد او را بمقتضای  
 خود نائل خواهد کرد و در هیچ موافقی هم  
 کنجکاوی نباید بکند - یعنی نباید در صدق  
 کلمات



که بفهمد آن شخص پیاده یا نشسته و کمر بسته در راه  
از چه فامیل و چه دستانه و از زمره مؤمنین و یا  
غیره است - بلکه بمجرد برخوردن بیک نفر  
آنست که چنین است عامل باید وظیفه اش را بجا  
دهد زیرا که فقط و فقط اینها شرافان انبیا  
حفظ هیکل بشر است که خالق الله آدم علی  
سورته کتابه از اوست

(نظر داشت که بین بجهان صورت خویش  
خبره را بکل مرعیه آدم زد)  
۱۸ - عامل هیچوقت از دهنه و کج و شرفی  
و منزل اشیا لازم نمیدهد عموم خلق و مخصوصاً  
انفله وقت اغلب خلق و کیمیا و کشف سرار مردم و



و از مال دزدیده و مغرور دزد و قاتل و جانی و دزد  
 اسرار عالم برزخ و کیفیات مرتبطه بشوای غفای  
 و اینکه اهل هشت که است و اهل جهنم که و  
 امثال ذلک از امور مذهبی و اسرار دینی مانند  
 غیبت قائم و محل انجذاب و اینکه کی ظاهر میشود  
 و از کجا میآید و چه طور خواهد شد سؤال نماید  
 بنماید و نیز از تعبیرات مرتبطه با امور مملکت  
 و کم و کیف چیزهای صکه نباید معلوم شود  
 مانند کم و زیادتی عمر اشخاص و امثال ذلک  
 ابدی سؤال نباید بکند که جواب داده نشود  
 غرض اینست - آنچه را که شارع مقدس  
 مخفی داشته و باید در کشف آن احتمال وقوع



مفسده باشد با بدست سوال نباید بنماید که تمام  
 اینست و الا تخرج از حد عندالاسکس  
 و دست اندازی بنوامیس عالم خلقت است  
 پس بر عالم واجب<sup>ل</sup> لازم است که در اخذ جو<sup>ل</sup>  
 از تراکت خارج نشود که دست اندازی به سراسر  
 عالم را احکام اجازه نداده و بلکه بسیاری از  
 ارواح هم حق از حقان و بسیار از این قبیل  
 اموری اطلاعند که **لَا يَعْلَمُ الْغَيْبُ إِلَّا هُوَ**  
 شاهدانند دعا است و بالفرض هم که بعضی از  
 خواص را آگاه کنند حق افشاء و کشف اسرار  
 ندارند - پس عامل باید دانایا باید هیچوقت  
 بکشف اسرار عالم امکان طمع نکند و آن



حدّ خود نجا و زنماید که من خرج عورت  
فَدَمُهُ هَدَرُ

۱۹- عامل نباید هیچوقت مرتبه و مقام را

برای کسی عهد دار شود خواه از دست او

براید و خواه برین باید چرا که موضوع بداء

امر هست محقق که با وجود بات همچه موضوعی

چگونه میتوان وجود و عدم امر را بکسی

وعدۀ داد و بیا عهد دار شد و البته عامل

نباید هیچچه تعهد هیچگونه امر را که از

وظیفه او خارج است بنماید و کار را که از

دستش برنماید و باید وقوع آن نردید و در

یکسے وعدۀ بدهد - چرا که پست و بلند

اشخاص



اشخاص و نبل و برائت و مقامات مرئوس و  
و نقد پری که از وظیفه عامل خارج است خصوصاً  
از حیث فکر و راحتی خیال که باید عامل در آن  
فکرش آزاد و خیالش راحتمند باشد تا از

این حیث بتواند بمقصود خود نائل گردد

**۲۰-** عامل باید از خیانت کردن بناموس این  
و آن هم کاملاً دید و دل را بردار تا از این حیث

فصول در عوالم غیبیه او را آسان نماید

**۲۱-** عامل باید بعلاوه اینکه از خیانت بنوا

مردم دل و دیده اش را برداشته - باید حافظ

اسرار و نگاهبان حقایق مردم هم باشد - زیرا که

ممکن است در ضمن پاره جواهر کشف بسیار



از اسرار بشود ولی عامل نباید بکلی از اطمینان اسرار  
خلق چشم بپوشد تا رفته رفته کجیننه اسرار  
ارواح مقدسه گردد - حتی آنکه اسرار مردم  
در نزد محارم خصوص خود هم ذکر ننماید

**۲۲ -** عامل نباید هیچ وجه جوابی را از پیشتر  
خود بدهد و یا آنکه در آن دخل و تصرف نماید  
بلکه بر او واجب است بدون کم و زیاد آنچه را که  
ارواح مقدسه با جواب داده اند عیناً به  
سائل انتقال بدهد

**۲۳ -** عامل باید خمس منافع از این راه  
را بنفقراء بدهد چنانچه شرع مقدس  
نبوی هم فائز این موضوع است و خصوصاً



در صله رحم ناکید زیاد از طرف خود ارواح  
مقدس شده است که هر نحو که از برای عامل  
ممکن باشد باید صله رحم بنماید مادامی که در  
حیانتند بوسیله احسانها مادی و دینی از آن  
بوسیله دعا و قرآن و صدقه و امثال اینها

**۲۴ -** عامل باید از سوء خلق و پرهیز و محضو  
از تکبر و تفرعن و غضب و کینه از عصبانی  
شدن خود را نگاهدارد که نذر رنج از بند  
اخلاف دور شود که یکی از موجبات تنفر  
ارواح مقدسه همانا بد اخلاف است

**۲۵ -** عامل باید در شبهای جمعه و ایام  
منبر که دیگر و در اوقات شریفه زیارت اموات



برود و ارواح مؤمنین را زیارت کند، و مخصوصاً  
 از زیارت قبور اباء واجداد و امتهات خود  
 غفلت نوزد و از دعا کردن و خواندن قرآن و  
 دادن <sup>صدقه</sup> و رد مظالم برای ارواح کسب صواب  
 و خوشنودی آنان را بنماید و چنانچه از رفتن  
 زیارت قبور بشتگان و ابرو و لوح صواب و مؤمنین  
 منع نر باشد افلا از خواندن قرآن و دعا  
 و صدقه ارواح را از خود خوشنود بنماید و  
**اما** در هر سال باید عامل زیارت یک از ائمه  
 اطهار علیهم السلام برود و اگر نتواند افلا  
 زیارت اولیاء و امام زاده کان برود چرا که از  
 زیارت قبور انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام  
 میفرزید



فیضها و نورها با و خواهد رسید و ارواح مقدسه  
 با او احسن خواهند گرفت و رفتن رفتن اشراق  
 معنویه آن ارواح قدسه شامل حال عامل خواهد  
 شد

۲۶ - عامل باید دروغ کمتر گوید و بلکه باید  
 بشد هیچ از کلبه دروغ گفتن بپرهیزد تا  
 رفتن رفتن راستی و درست ملکه او گردد  
 و اگر این صفت مذمومه در ضمن (۲۴) که عامل  
 باید از اخلاق بد احسن از کند (معلوم بود و حتماً)  
 بیکارنداشت و لیکن از آنجا بیک دروغ نسبت  
 از تمام صفات رذیله بدتر و خسبتر است  
 مخصوصاً از برای وفرازی معین و راستا آنرا



اظهار داشته و حد و حصر و مستثنی کرده اند  
 چرا که گناه دروغ را حد و حصر نیست و  
 عذاب دروغگو سنگین تر و سخت تر از سایر عقوبات<sup>است</sup>  
 چنانچه در امثال و محاورات عامیانه ضرب  
 المثل است که دروغگو دشمن خداست -  
 پس معلوم شد که مخصوصاً عامل باید از  
 دروغ احتراز کند

۲۷- عامل باید بعد از فراغ از عمل  
 احضار حقّیelfد و ریچیز و لو یکصد ریال  
 باشد بفقراء بذل کند و در اینجا دیگر  
 شرط نیست که آنچه از منافع حاصل از  
 عمل احضار باشد - بلکه این بذل بمنزله

توکل بر خدا



زکوائی است که نسبت بموفقیّت بر عمل نعلو  
میگردد که گویا از این بذل شکر خدا را میکند  
۲۸- عامل باید قلم برای تفریق روی کاغذ  
نکند! در حلالا کان او حراماً **و مخصوصاً**

راجع بتفریق بین دو حلال و تفریق بین بدیه  
و اولاد و مادر و فامیلها نزد یک بهیچوجه  
تفاضل جواب از ارواح نکند که موجب  
تفرار ارواح مقدّسه از او خواهد بود

۲۹- عامل باید فحار نکند و از راه فحار  
هم امرار معاش ننماید که اینهم یکی از بد  
ترین صفات رذیله است که مثلاً موجب  
تفرار ارواح خواهد شد



۳- عامل خونندارد از نزول باران و از کود

واناث بودن طفل در رحم و با از حلال و حرام  
زادگی و جواب بخواند چنانچه قبل از هم ذکر  
شد که در اینگونه موارد که احتمال فساد  
است خوف سوال کردن ندارد - خلاصه

مطلب اینست هر چه را که شرع مقدس  
اسلام و جامعه بشریت خوف کشف آنرا  
نداده است عامل هم خونند سوال کند

زیرا که در بسیار از این موارد احتمال اختلا  
ل بنظم عالم و خروج از حد اعتدال خواهد بود

۳۱- عامل باید در وقت احتضار بخوراک

طبیعه خوشبختی را ندخین بنماید - چرا که

احتضار



احضار بدون مجبور غیر ممکن است و کویا بر  
اكثر كذا ردت مجورات طيبة معطره منزله  
اخطار ارواح است

۳۲ - عامل باید حتی الامکان بیدار و صغیر

احسا کند و ثواب آنرا نثار ارواح مفدسه  
بنماید که از این راه اندر ریجا جلب ضایع  
انا نرا خواهد نمود و از او خرسند خواهند شد

۳۳ - چنانچه عامل سه اربعین ترك

احضار و مکالمه با ارواح را نموده باشد  
دیگر ممکن نیست احضار کند جز آنکه ضایع

را متحد بید نماید تا عمل او عود کند - چرا که -

هنا طور که عامل ترك مکالمه با ارواح را



نموده است - ارواح هم ترك خدا و خدا خود را با  
 او می نمایند - باین معنی - که زیارت فوری او  
 در بابی مشرب که و دادن صدقه و ثوابش را  
 نثار ارواح کردن و امثال اینها از اترك شد  
 و از این جهت فیضی از او با ارواح نرسیده  
 که آنها هم از مکالمه او صرف نظر کرده اند  
**ع ۳۴ -** عامل باید رحیم باشد تا  
 موافق رفع احتیاج محتاجین من اثر شود  
 و در اخذ جواب افتد ام بنماید  
**ع ۳۵ -** عامل باید نظر بلند باشد تا  
 بطبع مال دنیا فریبده نشود و اغما نکند  
**ع ۳۶ -** عامل باید ظالم نباشد - چرا که

بمنخفض



به شخص ظالم هیچ امید نمی توان داشت  
و آن همه صفات حسنه را شخص ظالم دارا  
نخواهد شد و از او هیچ گونه خیر بر نیاید  
و مورد هیچ گونه بدال و بخششی نمیشود

۳۷- عامل باید خوش طینت و خوش

رفتار و خوش کردار باشد

۳۸- باید عامل قوی هیکل باشد و

ضعیف البنی نباشد باین معنی که قوی

القلب باشد تا بتواند بر ارواح غلبه

پیدا کند

۳۹- چشم او معیوب و نزدیک بین

نباشد و دارای قوه کهربائی باشد یعنی



جذاب باشد

۴۰- کوشش عامل نباید که باشد

۴۱- عامل باید از ارکان اربعه معیوب

نباشد

۴۲- عامل باید بخیل و فنان نباشد

۴۳- عامل باید کاهن و فنان نباشد

۴۴- عامل باید با قبال واد بار دنیا

اهمیت ندهد و مانند کوه پابرجا و ثابت

الایمان باید بوده باشد

وَأَمَّا عَلَيَّاتُ الْحِضْنِ

اول آنکه - باید عامل سه روز و سه شب بکشد

و ترك حیوانی کند و شرط است که در

یعنی سه روز

وَأَمَّا عَلَيَّاتُ الْحِضْنِ



این سه روز موقع افطار روزه اش را به زیاده  
گرمائی بوداده بکشد و بعد از غیر حیوانی  
هر چه میل دارد بخورد

**دوره آنکه -** پس از این سه روز باید هفت

روز دیگر را هم با این سه روز متصل نماید  
لیکن بدون روزه که آخرین عملیات است  
یعنی فقط و فقط میتوان گفت که دوره  
ریاضانش ده روز است که سه روز باروزه  
و هفت روز بدون روزه است که نیز باید  
باز ترك حیوان باشد و باید از اول این هفت  
روز با اذن و اجازه استاد صاحب عمل  
بمعدل بنشینند و شرط است که لباس او

در این روزها  
باید که  
بسیار  
توجه  
کند



در این هفت روز سره بوده باشد حتی آنکه  
جوراب و دستکش او هم باید زرد باشد  
**سوره آنکه** — باید در مندل بنشیند  
و مندل را باید حتمی الامکان جائی قرار

مندل را  
بسیار

دهد که از تفرق هوا سر مصون و محفوظ

روی زغنی  
مرد

بوده باشد و باید مندل را کرد بکشد و  
بهر آنست که بد و با پرکار باشد و بعداً  
روی همان خط پرکاری را با کار درسته  
فولادی خط قرار دهد و لی باید مندل  
را فراخ بکشد که موقع خواب خیالش  
راحت باشد و اسوده باشد و شرط است  
که روی دست کار در هم چهار اسم مخصوص

کافه



کند باشد و در میانۀ مندل باید چاک خواب  
 برای خود قرار دهد و احتیاطاً هم هتترانت  
 که معادل نیم ذرع در اطراف محل خواب  
 جای داشته باشد - و شرط است که اگر  
 در مندل خوابید و جنب شد باید فوراً  
 برخاسته و خود را با آب برساند و غسل  
 کند - پس از آن هم برای ترکواذ این کار سه  
 مرتبه سوره مبارکه یس را بخواند و برای  
 گرد کشیدن خط هتترانت که با یک صبحی  
 را بزین فرو برد و سه بار با یک ریمینا  
 بار یکی که با یک سرش را بپنج هوا کرده باشد  
 بدو را بپنج به هرا ندانند که اراده دارد

در مندل خوابیدن



میگردانند و بعد رگه‌ها را علامت را با کارد  
خط قرمز می‌دهند که ابتدا آن خط کج و نا  
هموار نبوده باشد

**چهارم آنکه -** باید خط دایره‌مند را

بهشت قسمت تقسیم نماید و سر هر قسمتی از آن  
قسمت‌ها یک کارد فولادی تمام فولادی بگذارد  
با این قسم که اگر قصدش از عمل برای خودش  
هست دیم کاردها را بطرف توی مندل قرار  
بدهد یعنی کاردها را افسه بخواباند که در  
آنها بطرف توی مندل باشد و اگر عمل را  
برای مردم و خدمت بخواند میگوید که باید  
کاردها را افسه بخواباند که دیم شیخ کاردها بطرف

تقسیم خط

تیرگون



بیرون مندل باشد

مختصر النکات - عامل باید برای این هفت

شب ہر شبی ہفت عدد شمع کا فورے لٹا دینا کہ

در موقع ناز یکی شب از اول شب تا به اذان صبح

و ظهو نور افتاب تمام آن هفت شمع بسوزد - و

شروط نصب شمعها و روشن آنها این است که باید

هفت شمع را در اطراف بیرون مندر روشن کند

بابن قسم کہ در مقابل ہمارا کار دہا و جہو امانا با

شماره انصب نماید که هفت شمع بطور قفسیم دو

دایره مند ل فرار گرفته باشد و در روشن کردن

اَھَا خبلی مر! قبت بنماید کہ اکرمید! ند کہ چنانچہ

اعضا را بکدغه روشن کند و تماماً سوخته میشود



که هنوز از شب با فہماندہ است باید ہمہ را بکمرہ  
روشن نکند چہار تا را اول شب روشن نماید و پس  
از گذشتن یکے دو ساعت سہ تا دیکر را ہم روشن  
کند۔ باہنہ کہ برای شب بعد از انشعاع

شب پیش چہری با فہماند

اسماء چہار موکل کہ باید در وقت کاہ

کندہ شود۔ اینها است باطرطیا بیل با

جوکیا بیل باہومبیا بیل باموکیا بیل

و باید دونای از ان چہار موکل را یکطرف نہ

کار دہ کنند و دونای دیکر را یکطرف دیکر سید کاہ

ششم آنکہ۔ معزم (یعنی عامل کہ نظر بخواند)

غریبہ اورا معزم میگویند) باید روی قبیلہ در

کتاب الفہرست در سہ جلد  
جلد دوم



وسط مندل روی سجاده خود بنشینند در حالیکه  
 بجز خور را در طرف همین خود قرار داده باشد - و بنا  
 طرفین همین و بسیار مغزم معلوم باشد که در وقت  
 ورود بمندل از جانب بسیار و در وقت خروج از مندل  
 از طرف همیشه باشد - چرا که در مواقع رفع احتیاج  
**هفت همتا نکه** - مغزم باید بخورات ذیل را هنگام  
 فرات غریبه شد خپن نماید -

**بخورات این است**

- ۱ کندر - ۲ وشون - ۳ حسن ابان - ۴ دهن بسنه -
- ۵ دهن باز - ۶ فلفل سفید - ۷ فلفل سیاه - ۸ فلفل سفید
- ۹ رعفران - ۱۰ عود صلیب - ۱۱ عود هندی - ۱۲ برک مورد
- ۱۳ جند بیدستر - ۱۴ مغز هیل - ۱۵ کل رنک

و در وقت ورود و خروج  
 از مندل باید بخورات  
 ذیل را بخورد

و در وقت ورود و خروج  
 از مندل باید بخورات  
 ذیل را بخورد



کل سرخ - اسپند - پاذر هرکای - پاذر هر بزی  
 سند لوس - پرتغال - تمام انهارا باید نرم بگوید و  
 در ظرفی آماده درمند ضبط نماید که در موقع ندخیر

بکاربرد

**هشتم** آنکه معزم باید تمام بیست و چهار ساعت  
 شب و روز را بهفت قسمت تقسیم نماید که هر قسمتی  
 تخمیناً سه ساعت و بیست و پنج دقیقه میشود که  
 بجزد و رود بمندل باید شروع بخواند که غریبه نهما  
 باین قسم که در هر قسمتی از آن هفت قسمت باید  
 هفتاد و یک مرتبه غریبه معینه را بخواند یعنی  
 در هر سه ساعت و ۲۵ دقیقه ای مکلف است  
 ۷۱ بار غریبه را بخواند و لو آنکه در ظرف یک ساعت

مکلف و مستحب و زیاده خواندن

باشد



باشد که مافی وقت او از آن قسمت ازاد است  
 پس در هر قسمتی از آن قسمتهای هفتگانه مقداری  
 زیادی از وقت ازاد را معزم دارد که در آن متعلقات  
 ازادش هر کار که میخواهد میتواند بکند و لو آنکه خوا  
 نار و امثال ذلک باشد - اما از مندرک خارج نشود  
 و در همان مندرک هر کار دارد باید انجام دهد - مگر در موع  
 ضرورت که برای قضاء حاجت و تجدید وضوء است  
 که مستثنا است **و اما راجع بخواب معزم فقط**  
 و فقط زمان خواب او همان قسمتهای باقیمانده  
 از سه ساعت و ۲۵ دقیقه هر قسمتی است که باید  
 خواب بکند - یعنی خواب طولانی از برای او  
 نیست - فقط بجهت آنکه در بیکه از خسته که قوت العا

و اما راجع بخواب معزم فقط



نجات باید باید اکثاف نماید - منها برای اینکه  
 خواب و رانبرد باید مأموری مخصوص را بجهت  
 انجام اینگونه ضروریات قبل از تعبیه کردن باشد  
 خلاصه - باید قسمی را قیاس نماید که بجز  
 رسیدن قسمت بعد از هر قسمی از اقسام  
 هفتگانه ۲۴ ساعت مشغول خواندن عزیمه  
 بشود - البته در اینجا از لوازم شخص معزم است  
 که ترتیب نوم و حفظه اش را قسمی بدهد که  
 هیچگونه غفلت بعمل نیاید

## و اما آتش بخوراک

باید از ذغال ریز یعنی موبوده باشد که نه چکر  
 است درهما طاقی که مندل در آن ترسیم شده

هینه

این  
 قسمی  
 بخوراک



هتبه ذغالش را بنماید که بهیچوجه موجبات  
زلزل خاطر در او راه نیابد - چرا که اصل کلی در  
بمقصود همانا جمعیت خاطر و صرف تمام همت

است بر وصول بمقصود بوده باشد **ولما**

**خادم معزم** باید شخص امین و دلسوز و

محبب معزم بوده باشد و اما تکلیف او این است

که در وقت خواندن عزمه در اطاق معزم نیاید

و دایماً مراقب احوال معزم بوده باشد که چنانچه

احیاناً از برای معزم اتفاقاتی رخ بدهد و یا

احتیاجاتی پیدا نماید باید خادم حاضر باشد

بلی خادم در وقت فراغت معزم میتواند در اطاق

او بیاید ولی حق دخول در منزل را نخواهد داشت

در اینجا باید که



# واما اثبات بن برک هتکام عمل

خلاصه ثاقب از شب چهارم هیچ روزانه رخ نمید

تا آنکه در شب چهارم از اوایل شب خوف و ترس

اثبات چهارم

و اهیه بر مغزم غلبه خواهد کرد و او را خیالات

فرا خواهد گرفت و باره و افعات از قبیل بارندگی

ورعد و برف و طوفانهای شدید و خراب شدن

مکانهای اطراف توقفگاه را احساس خواهد

نمود و وقوع سیلهای عظیم را مشاهده خواهد

کرد هیچ دغدغه بنحاطر راه ندهد و از حو

خواندن غزیه باز نماند و ترس و بیم را بجهت

پیر روشن ضمیر خود و بنور ولایت مطلقه

ولایت بخش عالم امکان علی علیه السلام

از غور



از خود دور بنماید که از برای آنها حقیقت نیست  
 و بسوای خیال چیزی دیگر نباشد **واما**  
**شب پنجم** حیوانات درند و کزندگان و  
 حمله ور خواهند شد و با انواع و اقسام مختلفه  
 هر ساعتی بنوعی مخصوص بر او ظهور خواهند  
 نمود باز هم نترسد که ابداً دست تصرف آنان  
 از او کوناه است و هیچ وجه با واسطه بیعت  
 برسانند چرا که از برای آنها حقیقت نیست و  
 بغير از خیال چیزی دیگر نباشد **واما**  
**شب ششم** باز هم خوف و واهمه بر مغرم و  
 نموده و از قبیل جنک و جدال و هتک غارت  
 و ثوب و ثقت و کشتارها فوق العاده از برای



او جلوه گر خواهد شد - ابداً نرسد که جز  
 خیال چیزی دیگر نیست **و اما شب**  
**هفتم** در سه ساعت و ۲۵ دقیقه اول

شب خبری نیست ولی همینکه داخل  
 در قسمت دوم شب وقت شب

وقت شد اشکالی براوظا هر میشوند  
 و او را نصیحت و دلالت میکنند ابداً  
 گوشه جرفانان ندهد و مشغول خواندن  
 غریبه اش باشد - همچنین تا ساعت آخر  
 اشکال مختلفه از قبیل پدر و مادر و جد  
 و جد و خواهر و برادر و اقوام و با مخصوصاً  
 بشکل اسناد و مرشد براوظا هر میکنند



ابد ایچ یک از امانا اعتنا نکند تا آنکه سه  
 ساعت و ۲۵ دقیقه آخری برسد که در  
 الوقت شخص پیر مرد ملبس بلباس فرزند  
 براو ظاهر میشود و فرانه در دست دارد که  
 شاید بتواند بوسیله قسم دادن بفران  
 او را از عمل منصرف نماید - باز هم اعتنا  
 نکند که طوطی فحواهد کشید پس از آن پیر  
 مردی دیگر ملبس بلباس معزم بهشتارنک  
 و همتا فورم براو ظاهر میشود عامل باید  
 فوری از او احترام نماید ولیکن از مندل  
 خارج نشود - آن پیر مرد از معزم سؤال  
 میکند و میگوید فرزند من از این جنتی که



شما کشید لا اید چه نتیجه میخواهید که بشما بد هم  
از زرخاالص بقدر کفایت بشما تقدیم نمایم یا  
اینکه کیمیا را بشما بد هم - بلکه هر چه میل  
داری حاضر میباشم بد هم که انبیه شما نامبر  
کرد - عامل باید بگوید که من این چیست  
را برای ارواح مقدسه متحمل شده ام که  
بآنها ارتباط پیدا کنم - بعداً همان پیوسته  
شروط معروفه قبل از این را با او فرار داد  
میکنند که میباید در این شروط یا برجا  
باشی و بعد سوال میکنند که آیا این  
عمل شریف را برای خودت میخواهی یا برای  
دیگران در اینجا عامل خائن است -

بلا



بلی اگر از اول ورود بر عمل دم نیغاکاردها را در  
 بطرف اندر و در مندل قرار داده که باید  
 برای خودش باشد و هرگاه در و بطرف بیرون  
 مندل گذاشته باشد که برای دیگران است  
 مقصود این است که این عزم را باید از اول  
 ملتفت باشد تا بهر نحو که معمول داشته باشد  
 هم مطابق همان جواب بگوید پس از آن پس در  
 مطابق گفته معزم رفتار میکند - که برای  
 خود سر خواسته باشد است که انگشتی  
 با و میدهد و اگر برای دیگران خواسته  
 است که فدای از موی سر خود با و میدهد  
 ولی باز هم معزم باید ملتفت باشد که غرض از



را کماکان بخوانند و با تمام رسانند و پس از آن  
 از طرف دست چپ خارج شود - چنانکه  
 وقت ورود از طرف راست میاید  
 وارد مندل بشود - بلی پس از خروج از  
 مندل باید فوری در مقام حفظ آن شیء  
 ماحوذ از پیر مرد برآید باین قسم که آن چیز را  
 در جائی پنهان کند که ما دام العمر حشیم احدی  
 بر آن نیفتد و بعد از آن جمله تکالیف معزم  
 آن است که نایست روز در مقام کشف  
 مطلب بر نیاید و باینکه نکال نکند  
 پس از انقضاء ۲۱ روز آئینه بکری بکشد  
 و طلسم ذیل را بر روی آن نقش کند باین  
 نفس صفحه مقابل



# یا طریائید

یا	۱۱۱	۱۲۴	۱۲۱	۱۱۸	یا
ع	۱۲۲	۱۱۷	۱۱۲	۱۲۳	ع
ی	۱۱۶	۱۱۹	۱۲۶	۱۱۳	ی
ا	۱۲۵	۱۱۴	۱۱۵	۱۲۰	ا

# یا جو کیا شد

و بعد ایند ولوح را هم روی و قطعه کاغذ علیحد

نقش نماید باین نحو و بعد سائل باید سؤال خود

۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	باین قسم از	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴
۱۳۵	۱۳۶	۱۳۷	۱۳۸	عامل تقاضا	۱۳۵	۱۳۶	۱۳۷	۱۳۸
۱۳۹	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۲	جواب	۱۳۹	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۲
۱۴۳	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶	نماید	۱۴۳	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶
۱۴۷	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰	تقاضا کنند	۱۴۷	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰

فلان پسر فلان زاده فلان اجازه میدهم



که جواب سؤال با سؤالات مرا - شافی  
 و کافی بعامل بدید - و هرگاه پیش از  
 بکفریند - با بنفسم **تقاضا کنندگان**  
 فلان و فلان اجازه میدهم که جواب  
 سؤالات ما را - شافی - و کافی بعامل  
 بدید - و علت نوشتن سؤال هم  
 این است که باید از قلب خارج شود و  
 بعرضه شهود بیاید تا بتوان در مقام  
 جواب برآمد و حقیقت امر را اظهار <sup>اید</sup>  
**و اما وظیفه عامل در وقت**  
**اخذ جواب با این نحو است**  
 که باید رو بقبله بنشیند و اینینه را که آن



لوح بر روی آن نوشته شده بفاصله یک و نیم  
 الی و می رود و می ریزیم دور از خود **وامتا**  
**تقاضا کنند** باید فهمی بیشترند که فهم این  
 عامل و ایینه واقع شود - و شرط است که  
 کاغذی را که تقاضاها را خود را بر روی آن نوشته  
 است ناکرده (فهمی که عامل بر مطالب آن  
 واقف نشود) پیش روی خود بگذارد و بعد  
 هفت پاره نان در اطراف آن کاغذ بچینند و هم  
 چنین در اطراف ایینه نیز هفت پاره نان  
 بچینند و در اطراف هر پاره از نانها هم با  
 نوک کارد و یا با انگشت سیاه یک دایره را  
 از چپ برآست بکشد و نیز در اطراف همه آنها



هم پات داپره بکشد و نیز نسبت بآئینه هم همین کاره را  
 بکند و بعد انگشت سیاه را شخص سائیل بردوی  
 کاغذ نقاضای خود بگذارد و بخواند ن سوره مبارکه  
توحید و در بسمله مشغول بوده باشد - **بعد اعمل**

باید با تمام توجه چشم خود را به آئینه خیره کند  
 و بخوبی متوجه باشد و عبارت را آخری دیده بدورد  
 و در ضمن آن انگشت سیاه اش را به لوح اولی که خانه  
 اولش در و علی است بگذارد و آن خانه را که انگشت  
 گذارد بر ندارد و باز دیده بر آئینه بدورد و ببیند  
 چه چیزی ظاهر شده است بانه هرگاه نوشته شده  
 است که ما حاضریم برای جواب فیها المراد والا  
 باز باید انگشت سیاه اش را روی همان لوح برود



یکی از خانها آن بگذارد و همان کار را بکند و لیکن  
 هر خانه را که انگشت گذاشته است باید دیگران را  
 محسوب نداشت و دور از نشان کند و ببیند که  
 بگذارد ام خانه حاضر میشوند - خلاصه هرگاه این  
 لوح را عملی کرد و حاضر نشدند بلوح دوم شروع  
 کند و مانند لوح اول معمول دارد و اگر نیز  
 اثری نکند امر کند سائل انگشت بگذارد و همان  
 نحو معمول دارد که بپای از خانه ها حاضر میشوند  
 و جواب میگویند و اگر احیاناً هیچ یک از خانها  
 حاضر نشدند شک نیست که نقصان در مقدمات  
 بعمل آمده است ولی شرط است که در تمام این  
 مدت بخور مخصوص بیان ندخین شود و بخور



آن همان بنجوری است که در مندرج و پسوند است  
 بسوای یا پذیر هر یک که در اینجا لازم ندارد **نوضیح**  
 چون از برای این عمل چهار موکل است و هر چهار خانه  
 هم از این لوح منعلق یکی از آنها است و ما نمیدانیم  
 که نسبت هر موکلی کدام خانه ها است چون چنین  
 است باید نسبت بنمایم خانه های آن دو لوح عمل  
 مذکور را بنماییم تا حاضر شوند - غرض اینست که  
 خطی سفید ظاهر میشود که ما حاضریم جواب بگوئیم  
 بلی چون این موکلین ارواح رجال الغیب و یا اصحاب  
 ماورین و موکلین ارواح رجال الغیب و یا اصحاب  
 گفتند میتوانیم فائز باشیم که آنها هم از ارواح مقدسه  
 اند **و اما بعد از حضور** البته درهما البته



خطوط سفید ظاهر شد و عامل بدون کم و زیاد  
 اهنار ايسائل انتقال میدهد ولی پس از اتمام خود  
 ارواح مقدسه روی هئا آمینه اخطار میکنند  
 که (تمام) بالفظه که با این معنی باشد - **واما بکی**  
**از مطالب مختصر این است** اگر عامل بتواند هفت  
 روز ریاضتش را در زیر قبه و تحت بارگاه عرش  
 استحضرت سید الشهداء ارواح العالمین له  
 الفداء فرار دهد بعلاوه اینکه آن خوف و ترسها  
 از او را بپیشود هیچ یک از آن وقایع مخوفه فوق  
 العاده هم بر او رخ نخواهد داد و ببرکت شرب  
 مطهر و ذات مقدس آن بزرگوار باندک توحي  
 بمقصود خود نائل خواهد شد رَزَقَنَا اللهُ فِي الدُّنْيَا



زِيَارَتُهُ وَفِي الْآخِرَةِ شَفَاعَتُهُ وَهُوَ أَفْقَهُ بِفَضْلِهِ  
وَمِنْهُ وَكَرَمُهُ وَجُودُهُ وَرَحْمَتُهُ لِأَنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

وَأَمَّا عَرَاهِيهِ ابْنِ اسْت

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي سَخَّرَ الشَّيَاطِينَ أَجِيبُونِي  
أَجِيبُونِي الطَّالِبُونَ الطَّالِبُونَ مَبْرُورًا  
فَرَكِشْ جَنَاهُ هُوَ شَرِّ جَنَاهُ هُوَ شَرِّ كُتُوبِ مَلِكِ  
الْحِجَابِ احْضُرْ تَحْتَكَ جَبَّتِكَ سِنَّ السِّنِّ  
احْضُرُوا يَا يَادِ شَادِ بَكْتَافُ شَرِّ مَالِكِ  
الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ يَا صَاحِبَ الْجَنِّ وَ  
الْأَيْنِسِ أَخُوكِ أَخُوكِ نَاجِ مَلِكِ مُجَبِّيًا  
مُجَبِّيًا سَاعَةً سَاعَةً كَلَامًا كَلَامًا  
مَهْلًا مَهْلًا حَتَّمَا حَتَّمَا حَشِيَا حَشِيَا بِحَقِّ

مهمون



مَهْمُونٌ حَشِيَّةٌ وَمَهْمُونٌ زَنْكِيٌّ وَمَهْمُونٌ  
 ابْنُ الْمَهْمُونِ هَاهِيَا هَاهِيَا بَجْدُ وَمِكَ  
 بِلَا بِلَا كُوْنِي نَجِيًّا نَجِيًّا شَكَرًا  
 بَرَزَنِي اِرْكَنُكُمْ يَهُودِيًّا اَوْ نَصْرَانِيًّا  
 اَوْ مَجُوسِيًّا اَوْ هِنْدِيًّا اَوْ شَرْفِيًّا اَوْ غَرَبِيًّا  
 اَوْ مَذَنِبِيًّا اَوْ هَيْسِرِيًّا اَوْ اَحْسَنَ الْمَجُوسِ  
 وَالْمَجُوسِيَّةِ وَالنَّصْرَانِ وَالنَّصْرَانِيَّةِ  
 فِي قُلُوبِ بَنِي اَدَمَ وَبَنَاتِ حَوَا عَرَضَتْ  
 عَلَيْكُمْ وَاَفْسَمْتُ عَلَيْكُمْ بِحَقِّ نُوْرِيَّةِ  
 مُوسَى وَبِحَقِّ اَنْجِيلِ عِيسَى وَبِحَقِّ  
 زَبُورِ دَاوُدَ وَبِحَقِّ صُحُفِ اِبْرَاهِيْمَ وَ  
 بِحَقِّ فُرْقَانِ حَكَمِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ



اَنْ تُعْبِدُوهُنَّ اِلَىٰ اَجْلَاسٍ هَذَا يَحْتَوِي اَنْكُوشٍ  
 وَتَنْكُوشٍ وَتَحْبُوشٍ اِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّو  
 تَعْلَمُوْنَ عَظِيْمٌ اَمْتِنُوهُنَّ فَاَجِرُوهُنَّ  
فَاَجِرُوهُنَّ بَابُ اَهْلِيكُمْ مَلِيكًا  
 بِفَيْطَا طَارِشَا طُورِشَا بَارِشَا مِنْ بَابِ حِيمٍ  
 اَجِبُوهُنَّ اِذْ هُنَّ تَعْطِي بِجُرْمَةٍ مُّسْتَمْسِكُو  
 طَلْعٍ وَبَجْرَةٍ سَلَمَانَ بْنَ دَاوُدَ وَ  
 نَفْسِ الْخَاسِمِ وَمَا فِيهِ اِفْضُوا لَهَا  
 حَاجَتِي وَالْاَفْسَلُ طَاغُتُكُمْ اَللّٰهُ عَلَيْكُمْ  
 شُورَاظٌ مَّلَايِكَةُ مِنْ نَارٍ وَخَاسِ  
 فَلَا تَنْصِرَانِ بِضَرَبُونَ وَجُوهَكُمْ  
 وَاَنْدِيكُمْ اِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوَتَعْلَمُوْنَ عَظِيْمٌ



سَمَوَاتُ مَمَوَّتُ اسْمَا پَا دِ  
سَمَوَاتُ مَمَوَّتُ اسْمَا نِ پَا دِ

(نمٹ العزیمت)

**توضیح دیگر** ہر گاہ سوال توسط دیگرے

است وسائل حاضر نیست باید یا نشنا  
و علامتہ از ان سائل غایب اتخاذ نماید کہ  
بجای انکشت سائل کہ میبایست روی

کاغذ سوالش بگذارد روی کاغذ سوال

بگذارد والسلام خیر ختام

**خاتم** در بعض ختم و تحریر و عملیات مہتمم

متفرقہ مورد لزوم کہ در رتبہ ہر

از کتب ذکر شدہ است عمل تحریر

توضیح دیگر  
عمل حاضر نیست  
باید یا نشنا  
و علامتہ از ان  
سائل غایب  
اتخاذ نماید کہ  
بجای انکشت  
سائل کہ میبایست  
روی کاغذ سوال  
ش بگذارد  
رومی کاغذ سوال  
بگذارد والسلام  
خیر ختام



تسعة عشر  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام  
على سيدنا محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين

في طلب الجاه ومنصب العالي شهيد  
 قلوب السلاطين والامراء وعوام  
 الناس بجهت حصول ابن مرثب بايد بعد  
 كبر بخواند وعدد كبر اين اوراد پنجاه و هفت  
 هزار و دويست و سي نوبت الله در مدت  
 يكصد و بيست روز هر روز چهارصد و هفتاد  
 و هفت روز نوبت بخواند و در آخر ايام كه ختم  
 بانمام رسد بايد شهره يني تصدق كند كه  
 اثرا جابت ظاهر گردد و لو انكه ايام ختم ظاهر  
 گردد ولي بايد ختم را بانمام رساند تا انمرثبه ياف  
 باشد و اگر بعد دكبر نتواند عمل كند **سبط**  
 را در يك مجلس بخواند و آن هشتصد و هشتاد و هشت  
 مرتبه

اسر و عدد



است و عدد خاتم ده عدد است و عدد صغیر  
 هفت مرتبه و خاتم خاتم سه بار است **اما**  
 باید بعد از خاتم ناچهل روز باید بخواند و بعد  
 خاتم خاتم را که سه مرتبه است باید ورد کند  
 نایبجاه و منصب عالی برسد و این یکی از اعمال خیریه  
 است **و از خواص** این آیات شریفه الهی است  
 که اگر کسی معزول شده باشد و از امیر و وزیر  
 و سلطان و فتنه منو<sup>حش</sup> و منزلزل و <sup>شنا</sup>  
 بوده باشد و خواهد که آن بزرگ را مستخر کرده<sup>ند</sup>  
 و در نظر عوام الناس عزیز و محترم نماید باید  
 بخواند این آیات شریفه افدام و صد و یک  
 نماید **محمد منب** که جامع این آیات



است میگوید مرا عتی بود که در نزد خلیفه مفت  
 و مورد قبول او - غمازی کردند تا آنکه او را از  
 عمل معزول نمودند و بزندانش بردند و بروی  
 خشم گرفته و او را از نظر خلیفه انداختند بحدی  
 که درباره او احتمال قتل میدادند - چون  
 کار بد اینجا انجام میداد این پات را فوششیم و نزد  
 او فرستادیم بیداد و متا <sup>و</sup> قیام نمود - شب  
 خلیفه خواب سهمنای را دید و خلاصش کرد  
 و بجایه و منصب عالی رسانید و او را مورد  
 الطاف بیکران خود قرار داد - و چند منصب  
 دیگر هم باو داد و قسمت عمده زندانیان را  
 هم بطریق اولی نجات داد -



**چون** کسی خواسته باشد در نزد سلاطین  
 عزیز و مکرم باشد و ملوک و امرآء و بزرگان  
 دیار مطیع او گردند و مرثبه اش بلند گردد و  
 اگر در فرات غزلت و خلوت اختیار کند و  
 ترك اختلاط نماید و در چین خواند و بخور  
 هفت کوب بسوزد و حوش و طپور و مودیا  
 منقاد و مطیع او گردند و از مخلوقات هیچ  
 سراز امر او فرمان او نیچیند و فرمان او را  
 امثال نمایند و خواص این آیات زیاده است  
 که در اینجا ذکر نمیشود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ  
 رَبِّ الْعَالَمِينَ نَا خِر - و بعد بگوید



وَاذِ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِیْ جَاعِلٌ  
فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً قَالُوْا اَتَجْعَلُ  
فِیْهَا اَمْرًا یَّقْسِدُ فِیْهَا وَیُسْفِكُ  
الدِّمَآءَ وَیُخْسِنُ سُبْحًا بِحَبْدِكَ وَ  
نَفْدٍ سُرْلَکَ قَالَ اِنِّیْۤ اَعْلَمُ مَا  
تَعْمَلُوْنَ وَعَلَّمَ اٰدَمَ اَسْمَآءَ کُلِّهَا  
ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَی الْمَلٰٓئِكَةِ فَقَالَ  
اَنْبِئُوْنِیْ بِاَسْمَآءِ هٰٓؤُلَآءِ اِنْ کُنْتُمْ  
صٰدِقِیْنَ قَالُوْا سُبْحٰنَکَ لَا عِلْمَ  
لَنَا بِالْاَسْمَآءِ عَلَیْہِمْ اِنَّا اِنَّا اَنْتَ الْعَلِیْمُ  
الْحَكِیْمُ وَتِلْکَ حُجَّتُنَا اِنَّا هَا  
اِبْرٰہِیْمَ عَلٰی قَوْمِہٖ نَرْفَعُ دَرَجٰتٍ

ادم  
۱۲۰



مِمَّا نَشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ  
 لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ  
 عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ  
 بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ فَإِنْ  
 تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا  
 هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ  
 الْعَظِيمِ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ  
 اسْتَخْلَصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَامَتْ قَالَ  
 إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدِينَا مَكِينٌ أَمَّا  
 قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي  
 حَفِيظٌ عَلَيْكُمْ وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ  
 فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوهُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ



نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مِنْ شَاءٍ وَلَا نَضِيعُ  
 أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ  
 إِدْرِكِينَ أَنَّكَ كَانَتْ صِدْقًا نَبِيًّا وَ  
 وَرَفَعْنَا مَكَانًا عَلِيًّا أُولَئِكَ مَعَ  
 الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ  
 مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ  
 وَمِمَّنْ ذُرِّيَّةَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ  
 وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجِبِينَ إِذَا تُتْلَى  
 عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا  
 وَبُكِيًّا

در مکه

مجموع فتح و کتایش در عای ذیل در ساعت

سعد بن ولید و با هفت پاره نمل همراه بدر



و ذکر خواندن را هم حتی الامکان با حضور قلب  
 بخواند که ابواب وسع بر روی او باز شود و لابد  
 است که از خوردن مسکرها چهل روز اجتناب  
 نماید تا موجب ظهور آثار گردد والا آهن سرد  
 گویند و زحمات بپهوده کشیدن است - چرا که  
 موکلین این لوح مبارک از ارواح مقدسه اند  
 که مخصوصا از مستعملین مسکرها و اکلین ربا  
 (یعنی از اخذین فرع پول) بغایت متنفرند  
 که باید عامل این عمل و حامل این لوح این دو صفت  
 را نداشته باشد - و اما بعد از چهل روز هم اگر  
 نیز حامل این لوح از شرب مسکرها اجتناب  
 نماید روز بروز ابواب فتح و فیر و زی بر وی او



مفتوح میگردد و نیز شرط است که هر اثری را  
که مخصوصاً در مدّت چهل روز مشاهده  
نمایند از ذکر آن برای اشخاص خود دارای  
نمایند **لوح مبارک این است**

بسم الله الرحمن الرحيم

صِرَاطُ	عَلِيٍّ	حَقٍّ	نَمْسِكُهُ
نَمْسِكُهُ	حَقٍّ	عَلِيٍّ	صِرَاطُ
حَقٍّ	نَمْسِكُهُ	صِرَاطُ	عَلِيٍّ
عَلِيٍّ	صِرَاطُ	نَمْسِكُهُ	حَقٍّ

بسم الله الرحمن الرحيم

عَزَّمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا أَرْوَاحَ  
الْمُقَدَّسَةِ الْمُوَكَّلَةِ بِهَذِهِ الْأَحْرَفِ النُّورَانِيَّةِ  
وَاللُّوحِ الْمُبَارَكِ أَنْ تَكُونُوا مَعًا وَنَهْنِ الْجَلْبَ الْمَنَافِعِ

مِنْ الْخَلَالِ







علی علیه السلام را مانند افتاب عالم است  
که تمام ممکنات را احاطه کرده باشد فلذا  
باید تصور بنماید و گاهی از تصور صد گور  
غفلت نکند تا ابواب فتح بر وی عامل  
مفتوح گردد

**ایضاً اللفح** چنانچه کسی خواسته باشد  
ابواب فتح و فیروزی بر وی و باز شود -  
چه نسبت بخود و چه نسبت بدیگری این لوح  
مبارک را در ساعت اول روز یکشنبه از  
نصف اول هر ماهی که بوده باشد بنویسد  
و بر بازوی خود بندد و هر روز هم تا نوزده  
روز و روزی نوزده بار ذکر مخصوص باین را با

در هر یک از این



همان شرط لوح قبل مد اوست نماید که  
 هنوز ایام نوزده گانه بسر نرسیده است که  
 ابواب فتح و فیروزی بروی عامل باز خواهد شد  
 و ذکر این این است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 فَرْدٌ - حَقٌّ - قَبْوَمٌ - حَكْمٌ - عَدْلٌ  
 قَدُّوسٌ - سَبَّحَ لِلَّهِ عُسْرٌ  
 یسراً (خلاصه هم ملنفت باین معنی باشد  
 که خداوند برودی سخته را باسانی بدل  
 خواهد نمود لوح در روی صفحه  
 انروی و روش است



توحيه النور

بسم الله الرحمن الرحيم	۹	۲۲	۱۹	۱۶
بسم الله الرحمن الرحيم	۲۰	۱۵	۱۰	۲۱
بسم الله الرحمن الرحيم	۱۴	۱۷	۲۴	۱۱
بسم الله الرحمن الرحيم	۲۳	۱۲	۱۳	۱۸

سید از  
الف علامت  
فرا فرزند است  
مقدور است  
دیک  
دفعه  
مقدور است

سوره ۷۳ الکه ۷۶ ع س ۲۰۰ ۵ ۶ ۱

## بخش کشای دختران

هرگاه دختری با کرة بخشش بسته باشد و خواسته  
باشند زوج مناسبی ازدواج کند - هرگاه  
خودش بتواند باید ثن و لباس خود را پاک و  
پاکیزه کرده - و بقصد استجاب دعا غسل  
بکند و بعداً دو رکعت نماز بجا آورد و بعد  
از نماز یک مرتبه سوره مبارکه پسر و  
یک مرتبه سوره سبح اسم ربك الاعلى بخواند

بسم الله الرحمن الرحيم



و بر آب هفت چشمه بدمد و این عمل را ناسه روز  
 ادامه دهد و پس از سه روز آن آب را با ببرد <sup>سور</sup> حمام -  
 پس از شست و شوی بدن آنهارا بر سر و تن خود  
 بریزد - و آن موکو و لیثا می تواند فسی باشد که از  
 آن آب بیرون نریزد - و آن موکول یا بن است که مقدرا  
 آب را که فرار بدهد که فقط بر سر و تن او ریخته شود  
 و پس از آن این لوح را <sup>روز</sup> هم همراه داشته باشد و  
 شبها زیر مشکای خود بگذارد که طوی نخواهد کشید  
 که خداوند متان بکرم خود زوج مناسبی  
 از برای او خواهد فرستاد



ولوح مزبور را بدینست

ولقد خلقنا	زکوة	زوج	الاثنين
الاثنين	زوج	زکوة	والثلاثاء
زوج	الاثنين	ولقد خلقنا	زکوة
زکوة	ولقد خلقنا	الاثنين	زوج

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ الْخَلْقَ  
وَجَعَلْتَ لِكُلِّ ذَوْجٍ أَثْنِينَ وَبِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ  
وَعَوْنِكَ وَجُودِكَ أَجْعَلْ لِي زَوْجًا صَالِحًا فِي  
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



بلی هرگاه نوبسند این لوح خود دختر بوده باشد  
 عبارات بخوبست که ذکر شد و اما چنانچه ذکر  
 بنویسد باید باین نحو باشد که تغیر در ضمائر  
 آن داده شود - و آن اینست اللهم انی استلک  
 برحمتک الی خلق الخلق وجعلت لکل زوج  
 اثنين وفضلک ورحمتک وعودک جعل  
 لفلانہ ابنة فلانہ زوجا صالحا لها فی الدنيا والا  
<sup>خو</sup> انک علی کل شیء قدير و صلی الله علی محمد و آلہ الطاه  
**ایضا بخت کشائے غیر دختر باکره**  
 هرگاه زنی شوهرش فوت کرده باشد و یا او را طلاق  
 داده باشند باید هفت روز روزی هزار و یک سوره  
 اخلاص باین نحو بخواند که سورۃ اول بابیم الله

هرگاه  
 دختر باشد



وما بقی را بی بسم الله و روز هفتم بقدر  
مقدور بر هفت نفر فقیر متدین چیری  
اتفاق کند و از آنها بخواهد که در حق  
اود عاکنند که خداوند حاجت او را بر آورد  
و بعد هم این لوح را نوشته هر آله کند طویله  
نمیکشد که خداوند شوهر مناسبی از  
برایش میفرستد **لوح اینست**

یا جبرائیل

۲۲	۹۹	۴۴
۷۷	۵۵	۳۳
۶۶	۱۱	۱۱

با عزرائیل

صالح لها لان الله قادر على كل شيء ورحیم



چندین بار  
باید

بکاشی و رها ب له و هو ارحم الراحمين  
**ايضا نيكشائي** هرگاه زني خواسته باشد  
 شوهری مناسب حال و از برایش پیدا  
 شود باید پیش از غسل کردن با لباس طهارت  
 و بدن پاک در جائی تنها بنشیند و همه  
 روزه تا پازده روز هر روز چهار روزه مرتبه  
 صلوات بفرستد و بعد پا بوضد و بکشد  
**هفتاد یک مرتبه بگوید یا صغیر الابرار**  
 و باز چهار روزه مرتبه صلوات بفرستد و  
 بعد دعا کند که خداوند بکرم خود شوهری  
 مناسب حال نصیب من کن و روز آخر هم  
 چیزی از مال خود بفقیر مستحق خود بدهد



کند و این لوح را هم از روز اول باید همراه  
 داشته باشد تا ابواب فتح بر وی او بار آید  
 البته در تمام موارد عامل باید ملتفت حمله  
 های ادعیه بوده باشد تا هر گاه که باید  
 تغییر عبارت داده شود مانند ضمائر  
 و ثانیث و ثنذ کبر الفاظ غفلت  
 نشود که یک جهت این که بسیاری از ادعیه  
 والواح منتهی نتیجه و مثمره میباشند همانا  
 غفلت از اینگونه امور است زیرا که الفاظ  
 قوالب معانی و مقناطیس حقایقند - تا  
 صورت درست نشود معنی صورت نمی  
 بندد. لوح مذکور این است که باید



اولا خانه وسط را که سیاه شده است

باید برآ	۴	۱۸	۱	ذکر مطلب
باز بگذارد	۱۴		۶	که بعد از اتمام
لوح در آنجا	۱۲	محت ماده	۱۶	با این عبارت

ذکر حاجت کند (الهی شکر مناسبت حال

فلانه ای نه فلانه روزی او کن بحیرت این

لوح مبارک (و ثانیاً آنکه باید لوح را

بزرگ بکشد تا بتواند در وسط آن

ذکر مطلب بنماید و در تمام خانه های

او هم باید بنویسد بحق باید و حق

در خانه اول نوشته شده است

در بعضی امور متفرقه است



در بعض از خواص نام مبارک (الرحمن)

است که بعد از مبارک الله واقع شده

چنانچه در قرآن و فروع یافتند و نقل

ادعوا الله اوادعوا الرحمن  
ایمانند عوفله الاسماء الحسنی

میفرماید بخوانید خدا را با اسم الله یا

باسم الرحمن - معنی رحمن بخشا پند

جمع مخلوقات - حضرت سلطان

الاولیاء علیه السلام یعنی علی بن

موسی الرضا فرموده اند هر که بعد

از هر نماز دو لیست و نود و هشت بار

بگوید - یا رحمن، جمیع خالقان او را

دوسر

جین  
مجلس  
وکیل  
نمید



دوست دارند و دشمنان با او مهربانی  
کنند **بِنَاءُ عَلَيْهِمْ** در موافقیه

برای تحبیب بین دو نفر خواسته باشیم  
دادن دستور مذکور خیلی صحیح و بجای است

واهل تحقیق گویند دعوت این اسم مناسب

حال کسانی است که حساب کرم باشند و

از ایشان نفع بکسان رسد و شیخ ابوالهم

در شرح خود فرموده است که هر که راه حق

پا که از نند بپران عاجز باشد باید که روز

جمعه بعد از نماز عصر برون این که با

کسی تکلم کند و یا بورد دیگر مشغول گردد

با حضور دل و توجه تمام منوجه قبله

الهم  
الهم



این هردو اسم مبارک را چند آن که تواند بخواند  
 نازمانیکه افتاب غارب گردد و بعد <sup>سجده</sup>  
 هفت و حاجت خواهد البت حاجت وی روا  
 گردد و از برای فتح و کشایش و محفوظ بودن  
 از بلاها و ایمن بودن از مکر شیطان در حج  
 ذوالاربعه آن آثار غریبه است که اگر <sup>نیت</sup>  
 آنرا در شرف افتاب نویسد یا در ساعات  
 سعد دیگر و با خود دارد فتح تمام مشکلات  
 از برای او آسان شود و لے شرط است که اولاً  
 هر روزه - روزی هفتصد و هشتاد و شش  
 بار نکرار کند و ثانیاً بعد از قرائت یکصد و  
 سی و دو نوبت صلوات بر محمد و آل محمد

بجای نیت



که بالاخره عامل باین عمل مستجاب الدعوه گردد  
 و روزی بروی فراخ و صفای باطن او را حاصل  
 آید و هر چه کاری بر او دشوار نباشد و سبب  
 از امور مشکله بردست او باز شود و فی الواقع  
 حلال مشکلات خود و دیگران گردد و از  
 برکات عظیمه این دو اسم مبارک و این دو  
 لوح مکرم تمام فتوحات با و روی آورند  
 و کلبه ابواب نعم صور و معنوی بر روی او  
 باز و هیچ کالاد لثنا نشود



# دولوح این است

سب	الله	الله	الحجیم
الحجیم	الله	الحجیم	سب
الله	سب	الحجیم	الله
الله	الحجیم	سب	الله

۱۸۹	۲۰۲	۱۹۹	۱۹۶
۲۰۰	۱۹۵	۱۹۰	۲۰۱
۱۹۴	۱۹۷	۲۰۴	۱۹۱
۲۰۳	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۸

و دارند این دو مربع باید دایم با طهارت

بوده باشد.



بوده باشد و لوح هارا هم باید معطر ساخته و در پاره  
نفسی فرار داده در نواج خود و پاپیازوی خود ببندد

## جهت بزرگی و عزت و جاه

و روانی دم در اعمال از بزرگان دین وارد شده

که هر که طالب جاه و جلال و منصب دنیاوی  
بوده باشد و خواسته باشد محبوب القلوب عند

الخلق بوده و هر ارزو که دارد بر آید باید بطریق

ورد روزی هزار و یکبار بگوید

اللَّهُ أَطِيفٌ بِعِبَادِهِ بِرُزُقٍ مِنْ شَاءَ  
وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ و هرگاه گفتن

همه روزه از برای او دشوار باشد تا چهل روز

عمل مزبور را بجا آورد و بعد از چهل روز آیه شریفه

و بزرگی و عزت و جاه  
و بزرگی و عزت و جاه  
و بزرگی و عزت و جاه  
و بزرگی و عزت و جاه



فوق را بطریق ذوالکتابه در مرتب ذوالاربعه  
بنویسد و هر روزه بآن نظر کند و شصت و شش  
بار هم بخواند آن مراتب تماماً از برای تحقق پیدا  
خواهد کرد و هرگاه کسی بخواند بر منصبی که  
دارد باقی باشد باید مرتب ذوالاربعه را

نقشه منصب

انالله لطیف عباده	برزو منیثاء	وهو الفوی	العتز الیز
العتز الیز	وهو الفوی	برزو منیثاء	انالله لطیف عباده
وهو الفوی	العتز الیز	انالله لطیف عباده	برزو منیثاء
منیثاء برزو	انالله لطیف عباده	العتز الیز	وهو الفوی

بنویسد در ساعت سعد و بر بازوی خود بندد

در روزی



و روزی هم عء بار بخواند - منها باید که  
 همه جاها از شرط مفرزه منجا و ز نشود که  
 اصله رنما جاها تکمیل شرط است  
**وامّا راجع به نصب معزول و**

از باب نصب  
 از معزول

امثال ذلك وجهت اداء فرض و خلاصه  
 از حبس و رسیدن بعملی که از او گرفته شده  
 باشد و طلب حرمت و دفع دشمن قوی یا  
 نیست کرد انبند لشکر از گرد شهر  
 که محاصره کرده باشند شش روز و روز  
 هر روزی سه هزار و سیصد و سی نوبت  
 بخواند و این عدد در جهت محاصره و خلاصه  
 از حبس و جمعیت تمام خواند اثری عظیم دارد



واگر کسی این اسهار را در نیکب عقیق می نه نفس  
کند و با خود دارد و لی شرط است که افلا  
هم روز بعد د کمال آن که باز ده مرتبه بخواند

برای  
انگشتی

## جهت جاه و رفعت

در نزد سلاطین و اکابر و رفع دشمنان  
و حفظ از وقوع ضربات در معارک و سقوط  
از اسب و غیره و رفع بیمار چاکونا کون  
و امن از فقر و درویشی این لوح مبارک را  
که حلالات مشکلات و صمصا الاعداء و  
سپه الاکبر و قفام الاعظم و حصن القوۃ  
و جنة الوافیه گفته اند در روز جمعه  
در ساعت شرف مشرق باد روز پنجشنبه

لوح  
مبارک  
سلاطین و  
اکابر

یا یکشنبه



یا یکشنبه در ثلث اذان یا زهره که قمر از  
 نخوسات دور باشد بنویسد و لوح را  
 بمشک یا عنبر و عطر ساخته بر یا زویند  
 محراب است (لوح اینست)

یا ابراهیم ۲۱۱	یا ابراهیم ۲۱۱	یا ابراهیم ۲۱۱	یا ابراهیم ۲۱۱
یا ابراهیم ۲۱۱	یا ابراهیم ۲۱۱	یا ابراهیم ۲۱۱	یا ابراهیم ۲۱۱
یا ابراهیم ۲۱۱	یا ابراهیم ۲۱۱	یا ابراهیم ۲۱۱	یا ابراهیم ۲۱۱
یا ابراهیم ۲۱۱	یا ابراهیم ۲۱۱	یا ابراهیم ۲۱۱	یا ابراهیم ۲۱۱

و شرط است که پس از اتمام لوح چپ بپزد  
 مفد و بر سادات علویه بگذارد و بعداً



هم روزی ۵۰ بار قل هو الله احد را تا چهل و  
 پنجواند و از چهل و <sup>بعد</sup> روز همه روزه روزی  
 هفت مرتبه که شش مرتبه اش را بر شش  
 جهت و یکی را برای حفظ باطن است ترك  
 نکند که در تمام اثار مذکور حجب و  
 مؤثر است و باید دارنده این لوح از  
 زنا و لواط و خوردن مسکرات مدام  
 که با او است اجتناب نماید که اگر عیاذا  
 بالله تخلف ورزد اولاً که لوح را موکلین  
 آن از نزد او خواهند برد و باید که دهنده  
 این لوح باید با طرف شرط کند که اگر  
 حاضر هست که با اعمال نامشروع مذکور  
 تغیر



نزدیک نشود از برای و بنویسد و الا ابدام قدام<sup>م</sup> بان  
 نماید و مخصوصاً از حامل لوح باید قول  
 قطع بگوید که بگوید اگر من بیک از اعمال<sup>نا</sup>  
 شایست مذکور نزدیک شدم اجازه میدهم  
 که موکلین لوح<sup>ان</sup> را ببرند و دیگر آنکه بعلاو<sup>ه</sup>  
 بردن<sup>ان</sup> از نزد صاحب لوح - احتمال انعکاس<sup>س</sup>  
 عمل هم میرود که بک دفعه تمام آنچه را که از آن  
 لوح انتظار داشته نتیجه برعکس دهد و شرح  
 و بسط آن در این مختصر ممکن نیست - همین  
 قدر اجمالاً دانسته باشید که چون این لوح  
 مشتمل بر اسم<sup>اعظم</sup> است باید حامل و عامل آن  
 نهایت ملاحظه و مراقبت را در آن بنماید



و بعثت هر کسی ندهد و برای هر امر کوچک  
 ناقایه ننویسد و در وقت نوشتن از  
 حضور جنب و حایض جاوگیری کند و  
 در تعبیه ساعت و بخور کمال حرافت  
 را بنماید و هرگز بنا اهل ندهد و در وقت  
 کسالت و عدم حضور قلب ننویسد و قبل  
 از نوشتن لباس و مکان خود را پاک و پاره  
 فرارید دهد و در آن روز از خوردن حیوانی  
 اجتناب ورزد و حتی المفقه و را از ذکر یا الله  
 یا هو در وقت نوشتن خود داری نکند و  
 کاغذ نفیس و مداد معطر و مخصوصاً  
 اگر بشود در جاک خوش آب و هوا بنویسد



که هر چه مراعات شرط کند اولیتر است  
 ایضاً لوح مکرم بجبهت هم و غم و کشتا  
 و اندوه و از جهت فتح در معاملات و  
 ایمن بودن از دزدان و دشمنان و  
 باید روز دوشنبه که فرمیشتری ناظر بنظر  
 دوستی باشد و باید روز سه شنبه منظر  
 بنظر عطار و از منخوسات دور بوده  
 باشد بر کاغذ نفیس مدقه بهر زده  
 و با بروق اهو معطر بنویسد و بعد  
 معطر ساختن حامل یا خود دارد و باید  
 همه روزه هم بعد هوا این ایه شریفه را  
 بخواند **الم الله لا اله الا هو القیوم**



واما روز اول که بخواند لوح را همراه کند باید  
 دو رکعت نماز بگذارد و بعد از نماز همان آیه  
 شریفه را بعد از مبارک اسم مقدس علی  
 که ولایت بخش عالم امکان است بخواند و  
 در وقت خواندن و نوشتن هم بخور مشرعی  
 یا عطار در بر آتش گذارد که بسیار مجرب و از مو  
 است **لوح این است**

المرآة ۱۳۷	لا اله الا هو ۱۱۰	هو الحک ۵۶	القمصر ۱۸۷
محمود مولی ۱۸۴	اوها ازل ۳۱۶	طس و دود حید ۱۱۱	موع من ۱۳۶
سر طالب ۱۱۲	مسکحل ۱۳۵	عالی سید ۱۱۵	حمید ۶۲
واحد احد ۶۱	فی بدیع ۱۱۶	ص حم ۱۳۱	طسم ۱۰۹



و دارند آن باید مادام العمر زنا اجتناب  
 کند و هرگاه <sup>چامل</sup> لوح کسی است که نمیتواند از  
 زنا خودداری کند باید قبل از دادن لوح باو  
 بگوید که او هم از خداوند منان توفیق حفظ  
 بخواند و در صد برابر ثابت تواند قول قطعی  
 بدهد و الا هرگاه بطور تردید بگوید که مادام  
 العمر از زنا خودداری میکنم از او نباید شنید  
 و باید او را حاضر کرد و فراتر آورد و در یک  
 مجمع سفید نمیزی بگذارد و قدری بخورات  
 برایش گذارد و بعد عامل او را امر کند  
 بساختن وضوء و بعد بگوید حاضر هستی  
 که از این لوح بطور قطع و یقین استفاده



نمائی البته قبول خواهد کرد بعد باید با و  
 بگوید که این قرآن است که مشاهده میکنی  
 و من مجبورم که بر حسب اجازه که دارم با تو قرار  
 داد کنم و بگویم که در این قرآن از جانب خدا  
 الهی شده که زنا نکنند و مخصوصاً زنانی محصنه  
 که معصیت آن سختتر و عقوبت آن بدشتر  
 است که خداوند برای آن حد معلوم نموده  
 است - هرگاه در او اثر کرد و قول صحیح قطع داد  
 که میتوان از عهد دار شود فیها المراد لوح را  
 برای او ترتیب بدهد و الا باید از دادن آن  
 احتراز کند که از برای عامل خوب نیست زیرا  
 که هرگاه این لوح در ساعت و با شرط <sup>شد</sup> <sub>شده</sub>



شک نیست که افلاک و موکل از برای آن  
خواهند بود - والبت با وجود زناکاری  
حامل از برای موکل - شوا را است و اجازه  
داده نشد است پس باید در وقتی این  
لوح را بجا می دهد که عامل آن بفهمد  
که او مادام العمر از زنا خود داری میکند و  
الآخرگاه بفهم نکند نمیتواند بدهد و ما  
بفی شروط بخویش که در ساپرا دعبه و  
الواح ذکر شد است و اما هرگاه که  
لوح کسر باشد که معقولات و صحیح است  
ولیکن در حفظ خود تردید دارد و نمیداند  
که آیا میتواند خود را محافظت نماید یا نه



در اینجا لازم است که دعای خیر را با و تعلیم  
 که بعد از نماز صبح ناهنجده روز - روزی  
 هجده بار تلاوت کند که از اثر آن توفیق  
 خواهد یافت و بطور اطمینان ترک خواهد  
 نمود و قول و فعل را فطری هم میتوان دید  
 و دعای مزبور این است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ  
 أَصْلِحْ لِيْ شَأْنِيْ كُلَّهُ وَلَا تَكِلْنِيْ  
 إِلَى نَفْسِيْ طَرَفَةً عَيْنٍ

و این دعا یکی از حجتهاست که هر کس  
 عمل بد را که نمیتواند ترک کند و بآن



علم نماید موقوف خواهد شد

بسم الله الرحمن الرحيم

**ختم مجرب** بسیاری از علما و اهل

ذکر در اسم اعظم اختلاف کرده اند -

هر کدامی بیست خبری از اخبار آل محمد علیهم

السلام احتیاج کرده و بیست خبری را در لیل

میاورند - بعضی گفته اند که در فوائدها

است - بعضی گفته اند در آیه الملائک است

بعضی گفته اند در آیه العظمه است برخی

بر آنند که در سورة مبارکه پس است - جمع

اتفاق دارند که در آخر سورة حشر است

کروهی بر آن رفته که در ۹۹ نام باری است

ولی جمعی از ثقات نقل فرموده اند حدیثی



از حضرت ثامن الائمه علیه السلام که از  
 حضرت سؤال کردند اسم اعظم در کجا  
 و چه است و امثال ذلک تا آنکه میفرمایند  
 بسم الله الرحمن الرحيم با اسم اعظم نزدیکتر  
 است از سفید چشم بسیار چشم و از  
 برای آن خواص بسیار است که منجمه  
 آن است که برای هر مطلبی و مهمی ده  
 باشد در یک مجلس هفتصد و هشتاد و  
 شش مرتبه بسم الله را بخوان و فی قومی باید  
 بخواندنی که در وصل آن عیب پیدا نشود بنا  
 معنی که چنانچه چند عدد را بیک نفس بخواند  
 باید کسره زیر هم الرحمن را ظاهر سازی و



وبیاء بهم الله اتصا الشری الا انک انرا  
وقف نمائی که در این مورد عیب ندارد  
ولی خیلی دجلول خواهد انجامید پس بهتر  
هه ان است که در وقت خواندن اعراها

انرا کاملر اعااث نمائی و اگر بتوانی هر  
چند عدد را بیک نفس بخوانی که در آخر و  
کی بهتر است و شرط است که در قبل و بعد  
صلوات بفرستند و بهتر است که در افتخا

واختتام ان بکصد و ده مرتبه بعد د نام  
مبارک علی علیه السلام صلوات بفرست  
و ذکر مطلب کنی و بهتر است که شخص عال  
در هنگام اشتغال با امریج انرا هم در مقابلا



در مقابل روی خود روی سجاده اش بگذارد که از  
جهت جمعیت حواس در خل تمام دارد و بعلو و  
روحانیت آنرا در عامل نبرد خل تمام است  
و مرتجع آن پندست

بسم	الله	الرحمن	الرحيم
الرحيم	الرحمن	الله	بسم
الرحمن	الرحيم	بسم	الله
الله	بسم	الرحيم	الرحمن

**جهت استخلاص** چنانچه کسی در

باشد و یا مهمت داشته باشد در یک جلسه  
با حضور تمام هفتصد و هشتاد و شش

بار بگوید **نَجَاءُ مِنْكَ يَا سَيِّدَ الْكَرِيمِ**

از جناب و از سایه  
نجات ده



بِحَقِّهِ وَخَلِّصْنِي بِحَقِّ لَبِيبِ اِلَهِ  
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَيْضًا بِجَهْتِ خلاصی از دست ظالم و حصول  
مطلب از آن شخص در خلوت هفتاد و سه

مرتبه هفتاد و سه کلمات را بخواند و پس از آن تمام  
هم سه مرتبه صلوات بفرستد و از خدا  
حاجت بطلد بخواورد است

بِجَهْتِ هَلَاكِ ظَالِمِ هرگاه کسی از شخصی

دراذیت باشد و نتواند هیچ وجه دفع شر  
را از خود بنماید پس از آنکه مسلم شد که  
آن شخص بد و ن سبب و جهت در ظلم کرد

واذیت کردن آن شخص باقی سبب باید بدیت

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام  
على سيدنا محمد  
الطاهر الطيب  
الطاهر الطيب



دفع شر و رفع ظلم او در بک مجلس اوراد

ذیل را بخواند و مذکور بخواند

(۱) ہزار مرتبہ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(۲) ہزار مرتبہ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

(۳) ہزار مرتبہ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللّٰهِ

(۴) ہزار مرتبہ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ

(۵) ہزار بار تفرین بر انا ظالم - یا اے کہ باپن

مخو اللّٰهُمَّ اَدْفَعْ شَرًّا - البتہ دفع شر او و ہر

کہ ممکن است بعمل آید و یا خذول و مکتوب

میشود و اصل مطلب این است کہ عامل باید

ابتداءً بسجد و بعد پندہر گاہ سبب ظلم

انتخص خود عامل است کہ ابدًا حق تفرین



نندارد الا آنکه من غیر جهة با او دشمنی کرده  
 باشد که در این مقام باید در مقام رفع شر او  
 برآید - چرا که هرگاه باطناً جهت دشمنی  
 و ظلم شخص ظالم عملیات خود عامل بوده  
 باشد که شکی نیست مؤثر نخواهد شد و  
 بلکه تفرین در حق او بخودش بر میگردد پس  
 بر عامل لازم است که چه برای خود و چه  
 برای او غیر باید از تذکر موضوع مذکور  
 غفلت ننماید که چنانچه خدای بخوانسته  
 بدون سبب و جهت بواسطه یک رجس  
 کوچک که شخص از دیگر پیکر پیدا کرد فوری  
 در صد او عمل برآید آنچه از برای او



خواب است بخودش بر میگردد - پس واجب است  
که حتی الامکان عمل مذکور را هر جا هلاک  
دستورند دهد که ضررش به عامل خواب <sup>سید</sup> زیاده  
**برای مصروع** - هرگاه کسی را مصروع عارض

شد و یا بعضی ارواح خبیثه او را از پ  
میکنند خواه در پید <sup>الربحی</sup> خواه در خواب لوح  
بسم الله را بر عفران و کلاب نوشته بر آرد  
او بدین نژادی نجات یابد و لی با زهم باید  
نویسند و عامل عمل لوح بشرط مقرر عمل  
نماید و در ساعات خمس ننویسد و در وقت  
نوشته از نذخین بخور متعلق بکبریا خود  
داری نکند و بخور متعلق با آنرا با این قسم <sup>تعمین</sup>

برای  
مصروع



میثوان نمود که نام او و نام پدر و نام مادر  
 و نام فامیلی او را که بمنزله لقب پاکیده است  
 بحسب اجمل ایچک در آورد و دوازده دوازده  
 طرح نماید هرگاه یکی یا چند مجور حمل باشد  
 بسوزد و فسق علیهم السلام تا آخر بروج دوازده  
 گانه و تعیین مجورات بقسمی است که ابتدا عدد کبر  
 شد و با بنجاء جوع باید نمود و شکل لوح مذکور است

بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم



و تسعة المعصومين  
من زرية  
الحسين

اللهم اشف هذا المصروع بشفاعتك وداو له  
بدوائك بمحمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين  
عليهم الله يا الله يا هو يا شافي يا كافي يا معافي  
برحمتك يا ارحم الراحمين

كسح  
واللشعة  
لحمي في  
مبي

## ختم حجت برای دولت

ختم سورة الحمد بجهت دولت و ثروت و فتح ابواب  
رزق و وسع و غنى از جمله چیزهای حجت است  
چنانچه مجلسی علیه الرحمة هم در بعضی از  
کتاب مخصوصه خود ذکر کرده و دیگران از  
علمای اثناعشر هم متعرض انشاده اند و اثر  
انرا شکی نیست چرا که در سورة مبارکه الحمد  
اسرار و برکات زیاد است که چنانچه هر یک

ختم حجت  
مبارک است



قوم مراجعه شود معلوم خواهد کرد دید -  
 اجمالا آنکه مدت ختم آن چهل و یک روز است  
 در هر روزی چهل و یک مرتبه و بعد از اتمام در  
 هر روز هم باید بلا فاصله این عبارات شریفه

را بگوید (یا مفتح ففتح یا مفتح ففتح  
 یا مستب سبب یا مستبر کسیر  
 یا مسهل سهل یا مدبر دبر یا  
 متمم تمم برحمتک یا ارحم الراحمین

و لی شرط است که در این روزه چهل و یک روز  
 در یک مکان و بیات موقع بخواند و در وقت  
 خواندن بخور متعلق بکوکب خود را بشوید  
 بکذا رد نار و حانی بن مخصوص بعمل حصو



بهرسانند و باعث خوشنودی آنها بوده باشد  
 و هرگاه اختلاف در مکان رخ بدهد و یا در  
 وقت تغذیه حاصل آید باید ختم را از سر گیرد و  
 هرگاه هم در هفتۀ اول ابواب وسع و غنی بر  
 قاری باز شود نباید ختم را رها کند و البته  
 انرا بسر برساند و نیز شرط است که حتی  
 الامکان عامل این عمل را بن چهل و یکروز  
 پیروامون مناهی نکرده و بلکه هرگاه بتواند  
 در هفت روز اول از حیوانی و اگر دشوار است  
 از بچه و اگر نیز مشکل است از لذائذ خود <sup>بکاهد</sup>  
 تا روحانیت عمل غلبه پیدا کند و بهتر است  
 که کسره مهم الرحیم بسمله را به لام الی اتصال



دهد که تا آخر سوره هیچگونه انفصالی ندهد  
 و اگر بتواند بعد از هر سوره از چهل و یک سوره  
 یکبار دعای مذکور را بخواند اولی و بهتر است  
 و لازم است که عامل عمل معنی عبارت دعا را  
 بداند تا لغو نشود - چرا که این مطلب مسلم است  
 مادی که شخص عامل نمیداند که چه میگوید  
 عمل او بلا فایده و زحمات او بی نتیجه است -  
 چنانچه از معصوم هم سؤال میکنند که اگر  
 خواننده نداند که چه میخواند و چه میگوید و  
 دعا و قرآن را نفهمد یا ثواب بر آن مترتب است  
 یا نه - میفرمایند و اما دعا البتة مکتفیه  
 ان باشد که چه میگوید و اما قرآن بالفرض



هم معنای انرا ندانند خواندن ان ثواب را در هر  
 که شرافت فران اجل از اینها است . پس  
 باید معنی دعای مزبور را هم بدانند و باین نحو  
 اجمالاً ذکر میشود **یا مفتح فتح** یعنی گشایند  
 بگشا **یا مفرج فرج** ای بازکننده باز کن **یا**  
**مسبب سبب** ای سبب شایسته سبب  
 کن **یا مبدب بدب** ای آسان کننده آسان کن  
**یا مسهل سهل** ای آسان کننده آسان کن  
**یا مدبر دب** ای تدبیر کننده تدبیر کن **یا**  
**متمم تتم** ای تمام کننده تمام کن (یعنی  
 ای کسی که کارها را بطور خوبی و بوجه احسن  
 با تمام مهربانی کارها را با تمام رسان **حلا**



عامل باید زحمات خود را لغو نکند و از رگ و سخت  
 قدم بدیده عمل کند تا اثر اجابت ظاهر گردد  
 و این دقایق را باید درید و امر شخص در ستور  
 دهند ملاحظه کند تا زحمت عامل لغو نشود  
 و بپسوده و فتنش را ضایع نماید و نیز باید در وقت  
 شروع بعمل فرزند النور باشد و نیز فردر عفر  
 نباشد و مابقی شروط بخوبیست که قبلاً ذکر شده است  
**ختم حجر باب الکرسی** از جمله ختمهای مهم است  
 که در اثر آن شک و تردید نیست همانا ختم  
 آیه الکرسی است که بطریق ده وقف میباشد  
 و بسیار خوب و خیلی قابل است که بسیاری از  
 علمای شیعه آنرا نقل کرده اند و مدتی چهل

این ختم  
 بسیار  
 مهم است



روز است و سایر شروط بنجوست که قبلاً  
ذکر شد و طریقه ان اینست که ایة الکرسی

نا و هو العلی العظیم ده قسمت کند باین قسم  
(۱) اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۲) الْحَيُّ الْقَيُّومُ

(۳) لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ (۴)

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

(۵) مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ

(۶) يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ

(۷) وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ

إِلَّا بِمَا شَاءَ (۸) وَسِعَ كُرْسِيُّهُ

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ (۹) وَلَا يَئُودُهُ

حِفْظُهُمَا (۱۰) وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ



و در هر قسمی از آن ده قسمت که ده وقف هم گویند  
 باید یک انگشت از انگشتان دودست را عقد  
 کند و ابتدا از انگشت بنصر یعنی کوچک پمنی نماید  
 باین معنی که قسمت اول از ایه الکرسی را که (الله  
 لا اله الا هو) است بخواند و بعد انگشت کوچکی  
 دست راست را ببندد و همچنین با آنکه هر ده  
 وقف خوانده شود و هر ده انگشت دودست هم  
 بسته شود و اما در میان عقد انگشتان باید  
 مطلب خود را از خداوند منان بخواهد باین معنی  
 که در میان مبین بعلم ما بین اینها هم و مخالف  
 آنچه از مقوله از امور جلایه است طلب نماید  
 و در میان عینین بشفع عند آنچه را که از



مقوله جمالیة است طلب نماید و چون ده وقف  
تمام شود سه مرتبه سورة الانشراح بخواند  
و سه مرتبه سورة التوحيد و سه بار صلوات  
بفرستد بعد سر بسو استخوان کند و حاجت بخوابد  
و بعد ده مرتبه سورة احمد بخواند و بعد از آن  
هر حمد يك انگشت از انگشتان معفوده را بکشد  
و وقت کشودن انگشتان ابتدا از انگشت  
ابهام دست چپ نماید تا انگشت خنصر دست  
راست که ابتدای عقد از او بوده و بعد از فتح تمام  
اصابع با استخوان نظر کند و بداند و حاجت بخوابد  
و این طریق از احسن طرق است که نسبت بآیه  
الکرسی بیان کرده اند

ایضا آخر



ابضاً ختم حجت و نسبت مہند

محضر مولیٰ الموالی علی علیہ السلام کہ  
 ہر کالہ ترا مہمے پیش آید کہ در آن عاجز  
 باشم باید بد و اغسل کن و بعد از شہر  
 و آبادی خارج شوی پس از آن در جائی کہ  
 صدای ادمہ را دہن زسد باید بروی  
 خطے کرد با طراف خود بکشتے۔ سپس روئے  
 بقبلاہ بعد از آنکہ دو رکعت نماز خواند با  
 ایۃ الکرسی و انا و هو العلی العظیم ہفنا دینہ  
 بخوانے بشرطی کہ از بخوراث لا یفہ ہمرا لا  
 داشتہ باشی و نہ خپن نمائی کہ مہم تو  
 انجام دادہ و حاجت تو را وردہ خواہد شد



و بصر است که بین عینین استغفار عند و بما  
 بین مبین بعلم مابین ابد هم مطلب خود  
 از هر مقوله که باشد ذکر نماید - چنانچه  
 از مقوله جلالت است بین المبین و هرگاه  
 از مقوله جمالت است بین العینین <sup>طلب</sup>  
 نماید و فیلانه حجت هذا مؤثر لا شک  
 فیها ولا ریب و هو من المجرى اهل الرضا  
 و هو سکن من سهام الله و سبب من سبب  
 و هو مفید مفید مفید

**ایضا حجت مخرج** سوره مبارکه

هر که روزی بروی تنک کرد و خواهد  
 که خدا از کرمخانه خود شجاعت او را برآورد

در امور

انعام  
 خیر و سعادت  
 برای



و در امور او وسعت دهد - شب جمعه -  
 باشد پنجشنبه - بار و زجعه پس از نماز رو  
 بقبله اول سوره مبارکه الحمد را بخواند و بعد  
 شروع کند بخواندن سوره انعام تا برسد باین  
 آیه **مَثَلُ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ** بعد بلا  
 فاصله برخیزد و دو رکعت نماز کند در  
 در هر رکعت هفت بار الحمد و هفت بار آیه  
 الکرسی و هفت بار سوره الکوثر و چون فارغ  
 کرد بجهان قسم که رو بقبله نشسته است از  
 قسمت بعد از آن آیه قبل از ابتدای **اللَّهُ عَلَمٌ**  
**حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ** تا آخر سوره بخواند  
 و بعد سر بسجده کند و هفتاد بار بگوید -



لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

حاجت بخواند که بقدرت الله برآورده

خواهد شد

ایضاً ختم مجرب هر که را مکتب عظیم و

مملکت خطیر پیش آید که از علا حبش عاجز

باشد باید يك صد و چهل بار سورة مبارک

مؤمنون را بر سبیل اتصال بخواند و بجزیره

مجدید وضوء و اكل و شرب ما لا بد منه

از جای برنخیزد از آن ورطه خلاص شود و

هیچ مکر و هیبت و نرسد و شک نیست که

در خنوم ایات و سور و فرائین اثرات و برکات

بی انداز است که جای تردید نیست ولو

انکه خوانند

مکتب عظیم و مملکت خطیر



آنکه خوانند و از ملتفت معانی آنها هم نباشد  
 اثرات بران مترتب است بسوای عاها که البته  
 باید معانی آنها را دانست چرا که باندانشن علم  
 و اطلاع عربی و فقهیست معانی آنها شکی نیست  
 که کار لغو و امر پیهوده و زحمتی بیفایده است  
 بلی خواندن سور و آخر و بجزم و تفریه یا مثل  
 عملیات مندر است که عملان بواسطه انجام  
 کارها ضروری باطل نمیشود و عدم اطلاع بر  
 معانی آن هم موجب بطلان عمل نیست فقط  
 لازم است که بانجام معنی عبارات سور و در است  
 و فرای آنرا چنانچه شاید و باید بدانند و الا  
 بالفرض هم که تمام شروط را عملی کنند ولی حروف



از مخارج خود ادا ننماید غلط است و نیز اثری

بر آن مترتب نیست

بجهت شفاى امراض و رنجاندن جن

و شیطا طین و جهت صرع و کلیه

امراض روحان ( باید اولاً مریض

ملاقات کند و شناسد او را و تحقیق نماید

و ببیند که مرض او از امراض جسمانیه است

یا از امراض روحانی - هرگاه مرض او مرض

جسمانی است مثل اینکه درد دل دارد البته

مدوائى و شرب مسهل است و با آنکه مثلاً

بواسطه راعنه الى درغه و خوردن ميوه

های نارس و اکثراً در غده غلیظه مؤثر

تقریر

در امراض روحانی



تولید دیدن در امعاء او شده و کثرت ریدن  
 باعث انقلاب و رافراهم آورده باشد شک  
 نیست این قبیل مرض را بد و اهر که ملاقات کند  
 هیچ تصور میکند که از باب جن و شیطانی است  
 و حال آنکه بواسطه غلبه و هجوم طوالت الحیات  
 است که تمام معده او را بنصرف در آورده و  
 انی نمیکند از دندان پچا را اسوده و راحت نماید  
 و با بواسطه حب الفرع است که در قولون او جا  
 گیرین شده و انا فانا در اشند دقلق واضطرار  
 او میافزاید تا آنکه هر کس او مشاهده کند گمان  
 میکند که دیوانه است و حال آنکه دیوانه نیست  
 و کرمها معده او را پچا را و هیچ بی اختیار کرده است



پس باید اول در معالجه رفع کرم بکوشند و بعداً هرگاه  
 کماکان بر حال سابقش باقی است افوت در مقام انداختن  
 روحانی برآیند - چرا که غالباً دیداشده است که  
 یک مریضی را پهلوی معزم میآورند که او را بخوانند  
 غریبه معالجه کند چون آن پیچیده معزم از قواعد  
 طبیعیه بهره است و نمیدانند که بواسطه غلبه کرم معده  
 با پنچالت شده است در مقام خواندن دعاها  
 عظیم و غریبه ها که قوی بر میآید و هر چه میخواند اثری  
 نمیبیند لهذا خود مریض را بر جهت فوق العاده  
 خواهد انداخت پس از الزم لوازم این است که باید  
 بدواً امتیاز مرض را بدهند هرگاه از امر <sup>حالت</sup> ضروری  
 است مثل اینکه بلا جهت سرش درد آید و یا

تخلو



پهوشش شود و باید و ن جهت عصبانیت شود و امثال  
 ذلك مانند غم و غصه ناله‌های و گریه و خندایی  
 موجب که از فراتر خارج می‌شود از همیید در اینجا  
 باید بندای روحانی مشغول شد و این است  
 دعائی که افلا ناهفت روز و هرگاه شده باشد  
 دو هفته روز و هرگاه شده باشد سه هفته روز  
 نام برسد به هفت هفت روز که معزم باید در مکان  
 طاهر یا بخور مناسب طالع مریض یا حضور قلب  
 بخواند که البتّه روز بروز از شفا خانه غیب ارض  
 مریض کاسته و بالآخره صبح میشود - دعا این است  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ و  
 بِاللَّهِ وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ



وَأَنَّ اللَّهَ قَدَّاحٌ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ وَحَسْبُنَا  
 اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ  
 الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَعْبُدْكَ يَا فُلَانُ بْنُ  
 فُلَانٍ (در اینجا باید اسم طرف را بر زبان جاری کند  
 مِنْ جَمِيعِ الْأَوْجَاعِ وَالْأَسْقَامِ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ  
 وَالْإِنْسِ وَمِنْ الصَّادِرِ وَالْمُؤَادِرِ وَالضَّارِّ  
 وَمِنْ الدَّخِيلِ وَالْخَارِجِ وَمِنْ الْعَامِلِ وَالْأَحِيرِ  
 وَالْقَاطِنِ وَالْبَادِي وَمِنْ الصَّائِبِ وَالطَّارِقِ  
 وَالنَّهَارِ وَمَا ضَعَى وَمِنْ جَمِيعِ الطُّوَارِقِ  
 اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ الْأَطَارِقِ فَاطْرُقْ بِخَيْرٍ  
 بِإِذْنِ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ



السَّلامُ الْمُؤْمِنِ الْمُحِبِّ مِنَ الْغَرِيبِ إِلَى جَبَّارِ  
 الْمُتَكَبِّرِ # سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ  
 فَإِنِّي أَعْبُدُهُ **(جاء اسم)** بِاللَّهِ وَاحِرْزُهُ  
 وَأَمْنَعُهُ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الَّذِي  
 آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَبِاللَّهِ أَنْزَلَ  
 عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَهُ يَجْعَلُ لَهُ عِوَجًا  
 قِيمًا وَبِالصَّافَاتِ صَفًا فَالْزَّاجِرَاتِ  
 زَجْرًا فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا وَبِصِرِّ الْفُرَاتِ  
 ذِي الذِّكْرِ وَبِالذَّارِيَاتِ زُرًّا فَالْحَامِلَاتِ  
 وُفْرًا فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا وَبِقِيَافِ الْفُرَاتِ  
 الْمَجِيدِ وَأَعْبُدُهُ و جاء اسم هـ كه بايد صلاحه بكويد بِالطُّورِ وَكِتَابِ مَسْطُورِ  
 وَبِالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ وَبِاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ



وَبِالْيَتَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى وَهُوَ عَلَى وَجْهِ اللَّهِ  
 سَلَامٌ اللَّهُ عَلَيْهِ وَبِالْظَّاهِرِ الظَّاهِرِ وَهُوَ  
 مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ  
 بِالْعَظِيمِ الْحَنَّانِ الْمَنَّانِ وَبِالسَّعِيدِ الْمُنِجِّ  
 وَالْمُفْرَّانِ الْمَعْظِيمِ وَهُوَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى  
 بَنِي إِسْرَافِيلَ صَاحِبِ الصُّورِ وَالنُّفُوحِ  
 وَاحِرُ الْقُبُوضِ وَالْأَبْطُحِ وَهُوَ الَّذِي بِهِ  
 كَمِلَ الدِّينُ الْأَسْلَامُ وَهُوَ الَّذِي  
 قَالَ فِي حَقِّهِ اللَّهُ فِي جَمِيعِ كُتُبِهِ  
 السَّمُوءِيَّةِ أَنَّهُ مَظْهَرُ الْعَمَائِدِ وَ  
 عَمُودِ النَّوَّاسِ وَغَوْثِ الْمُسْتَغِيثِينَ  
 مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ أَعْبَدُ



فَلَانَا (در اینجا جای اسم است که کاملاً باید بود)  
 بِاللّٰهِ مِنْ كُلِّ سُوْرٍ وَسَفِيْمٍ وَكُلِّ حِيْنٍ وَحِيْنَةٍ  
 وَشَيْطَانٍ وَشَيْطَانَةٍ وَسَاحِرٍ وَحَلَاةٍ  
 وَغَوْلٍ وَغَوْلَةٍ وَفَرِيْبٍ وَبَعِيْدٍ  
 وَذَكْرِ وَأُنْثَىٰ مِنْ آعْجَمَةٍ أَوْ فَصِيْحٍ وَ  
 سَفِيْمٍ وَصَحِيْحٍ دَاخِلٍ وَأَخَارِجٍ  
 اَعْبَدُكَ (جای اسم است) بِاللّٰهِ الَّذِي  
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ  
 الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمُنُ الْعَزِيْزُ الْحَسْبُ الْمُنْتَكِرُ  
 سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْحَيُّ  
 الْخَالِقُ الْبَارِيُّ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ  
 الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ



وَالْأَرْضَ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَمَا لَنَا أَنْ لَا  
نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَ  
لَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْنَا وَعَلَى اللَّهِ  
فَالْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ وَأَعْبُدُوا (حاي اسم)  
بِاللَّهِ الَّذِي هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ  
وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ  
وَبِاللَّهِ الَّذِي هُوَ رَبُّ الْفَلَاقِ مِنْ شَرِّ مَا  
خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ وَمِنْ  
شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ  
إِذَا حَسَدَ وَبِاللَّهِ الَّذِي هُوَ رَبُّ النَّاسِ  
مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ  
الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ



مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أُعِيدَهُ (جای اسم)  
 بِإِثْنِهِ الذَّنْبُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ  
 سَنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي  
 الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ  
 يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ  
 بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ  
 السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ  
 الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ فَإِنَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ  
 أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ - واما راجع بجاهاى  
 اسم که در ضمن دعای مبارک تعبیر شده  
 است خواننده باید ملتفت باشد که در حین  
 خواندن مخصوصاً اسم ببرد و اما راجع به



کردن باید (در جاهائی که اسم مبارک باید کنی  
 شود که این قسم باشد اَعْبُدُ صاحب کتابی فلان  
 بن فلان تا آخر که شخص عامل مانت است آن  
 خواهد شد - البتّه از عظمت این عزمیه  
 غفلت نباید نمود که بپرکت آن میتوان  
 بسیار از امراض را معالجه کرد - مخصوصاً  
 از برای تبّهای من من و بسیاری از کسالت  
 معنوی حکم کبریّت احمر را دارد. زیرا که  
 ارواح مقدّسه سعبه موکل ایند عای  
 مبارک اند که ارواح شقیّه را از مرضی  
 دور نمایند **و اما هرگاه** شخصی بشیر  
 چشم بد دوچار شده باشد باید خوانند



عاملی که در تغییر موضوع ماهر باشد هفت  
مرتبه در باب جلسه بر مریض بخواند اثر  
چشم بد از او را بپاکر دهد

**و تغییر موضوع** باین نحو است که بجهت

اعبده فلان بن و یا اعبده باید این عبت  
باشد **ادافع عن فلان بن فلان**

**شر العین** همچنین در تمام موارد <sup>سب</sup> بدست

محل تغییر در عبارات را عامل باید ملتفت

باشد و هرگاه از عهد بر نیاید بهمان

قسم که اصلاً نوشته شده است بخواند

ولی اینجا ها بیکه باسم می رسد **مطلب**

بماید یعنی در دل نیت کند که مقصود دفع



ورفع چشم بد و شران است و بامقصد  
باطل کردن سحر و جادو است و اما راجع  
بسا بر امر ارض جهان بخو که نوشته شده

صحیح است **ایضا شفا یجا امر ارض**

**که مشهور بدعای قلنسوة است**

**ایند عا بنز کو راست که باید سه بار**

**بر بیمار بخوانند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ**

**الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ**

**الْمَلِكُ الْمُتَكَلِّمُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا**

**إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اللَّهُ نُورٌ وَ**

**حِكْمَةٌ وَسُلْطَانٌ وَهَيْبَةٌ وَحَوْلٌ**



وَقُوَّةٌ وَبُرْهَانٌ وَقُدْرَةٌ قِيَوْمَ لَمْ يَنْبَغِ  
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ نوح بنحى الله لا اله الا  
ادم صفوة الله لا اله الا الله نوح  
بنحى الله لا اله الا الله ابراهيم  
خليل الله لا اله الا الله موسى  
كليم الله لا اله الا الله عيسى روح  
الله لا اله الا الله محمد رسول  
الله وحبيب الله لا اله الا الله علي  
ولي الله اسكن آيات المرص  
بازن الله الله اسكن له ملك في  
السموات والارض وهو العزيز  
الحكيم







مائة بعد الف بيد اقل الفنا للثمن ابن  
 مرحوم كركي وكنه على سكنه الاصل  
 "اقبلوا افداؤكم لحياتكم فرياقوا محال  
 ناهي يا نبي الله اغفر لنا والمعاصي والاهمال  
 و... الى اجمعين

مطابق سنة يكبر در سصد و ست شهر  
 ۱۲۲۰